آهنگهای مردمی

فلکلوریک افغانی

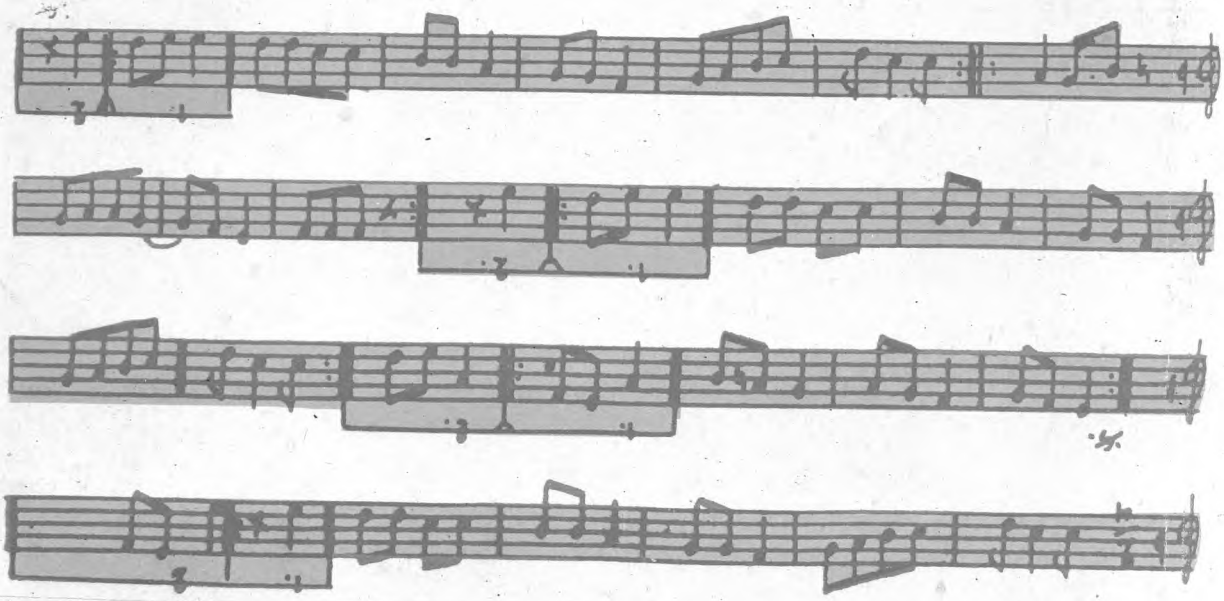

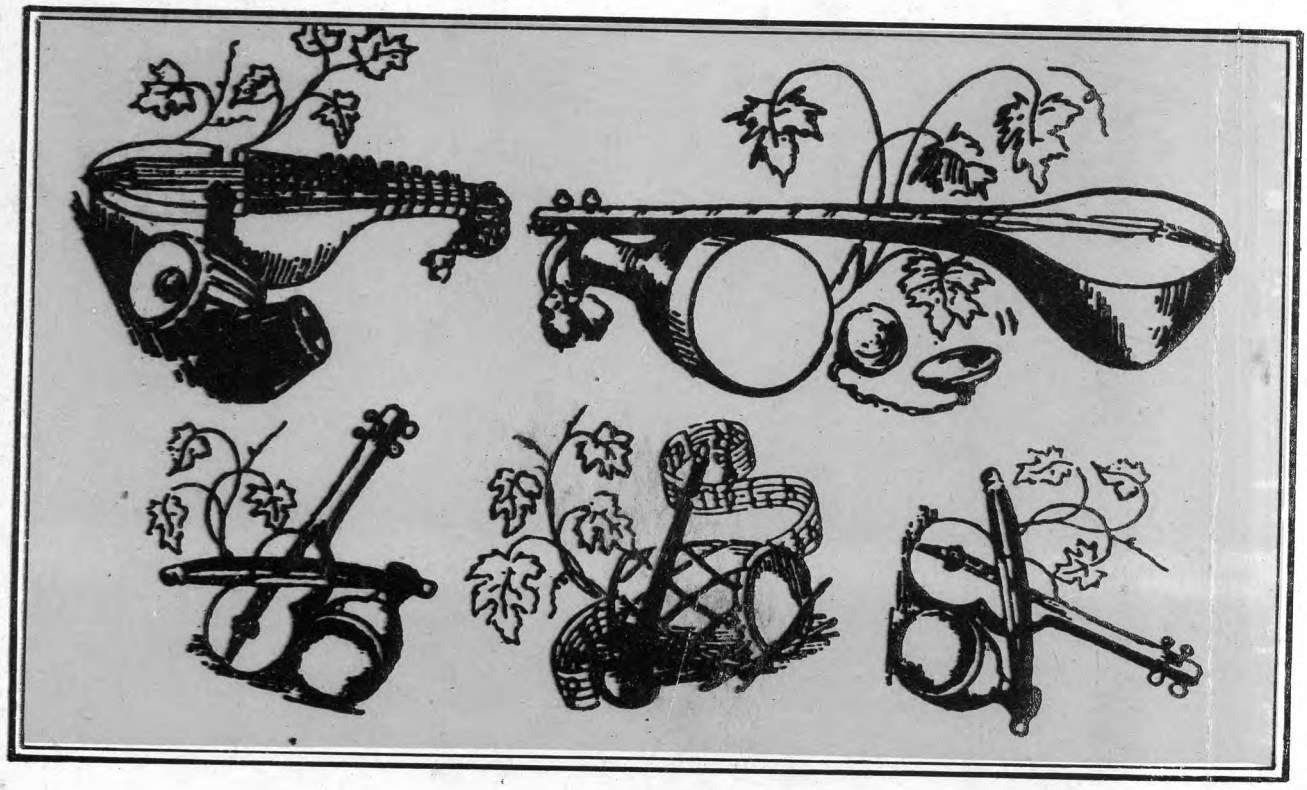

آهنگهای فلکلور مردمی افغانی

PROPERTY OF ACKU 5176

گردآورنده: استاد نقیرمحمد ننگیالی

ناشر: دانش کتابخانه، دهکی نعلبندي ، قصه خوانی بازار

فهرست آهنگهای شامل این مجموعه

شماره	مطلع آهنگ	آوازخوان
۱	یا مولا دلم تنگ آمده	رحیم جهانی
۲	بادا بادا	توسط کورس زنان
۳	او بسم الله جانه	ژیلا
٤	دخترکابل	رحیم مهریار
٥	او بی بی رکو جانم،	خلاند
٦	گل سیبم یار	احمد ولی
۷	نصرو نصرو جان	مهوش
۸	آهسته برو	استاد قاسم
۹	ملا محمد جان (بیا که بریم به مزار)	سلما
۱۰	نازی نای نای	رشیده ژاله
۱۱	ای وای گل من	کریم شوقی و مسرور
۱۲	گل ره ساخته ئی بنام خود قلندر	اسماعیل چهاریکاری
۱۳	مشك تازه میباره	ساربان
۱٤	نازی همدم من دلبرمن	ژیلا
۱٥	چشم پرخمار باشی او پچه	مرزانظر
۱٦	چتری چتری گل هستی	کریم شوقی
۱۷	زینبو یارجاهلی من	فیض کاریزی
۱۸	زار نالم زیبده	خلاند
۱۹	شال واچوه گرمی ده	قمرگل
۲۰	وه د ایښووالە راتم شه	رخشانه
۲۱	دل کباب اس	خالوی شوقی
۲۲	شاکوکو جان سرت شال میندازم	جلال لوگری

۲۳	مالك جان	مرجان
۲٤	گل دی پرزلفو	مهوش
۲۵	باغ دی یم باغوانه	مددی
۲٦	آلوآلو	مهوش
۲۷	گندما درو شد نیامد یارم	جلال لوگری
۲۸	شینکی بابا	قمرگل
۲۹	فاطو جان آمده از راه بدخشانی	سلما
۳۰	سبزك لب جوی	گروه هنری فیض آباد
۳۱	انار انار بیا ده بالینم	ملینا
۳۲	نسا جان گلك من	هماهنگ
۳۳	انارداته نداره	بیلتون
۳٤	په لویو غرونو	قمرگل
۳۵	وای الا شای شابو جان	کورس مردان یعقوب قاسمی
۳٦	جانم بنفشی مه	یعقوب قاسمی
۳۷	خان دلاورخان	کورس زنان و مردان
۳۸	او منگی	میدان شهر
۳۹	سخی جان میروی مارا دعا کو	رعنا استاد نتو
٤۰	نقش قالین استم	کریم شوقی و صدیق قطغن
٤۱	شاه نگارجانم قربانت شوم	استاد نتو و صابر
٤۲	یار یار یاری ابرویش دم ماری	آزاده و همراهان
٤۳	مرغ دلکم نی نی	اسماعیل چهاریکاری
٤٤	سکینه	خوشحال
٤۵	پسته فروش	یعقوب قاسمی
٤٦	گلدان انار آغا	کریم شوقی
٤۷	ماگل ورته ساتلی	عبدالرؤف قندهاری
٤۸	شاکوکو جان شفای جان..	مددی

٤٩	لالیه گل می واوره	احمد ولی
٥٠	سرخ و سفید همدم خوبان می	رخشانه
٥١	لیلا لیلا نوروز اس	نعیم پوپل
٥٢	دلم آمده درجوش	سیلاوه و اسماعیل چاریکاری
٥٣	اوجوکی اویه درته راورم	احمد ظاهر
٥٤	سرپل مالان	مسعود خوشنواز
٥٥	کوته واله دار	استاد قاسم
٥٦	جانانه گکم	مرزا نظر
٥٧	دارم ارمان امروز	کورس پنجشیری
٥٨	سرسر پشته عاشق کشته	احمد ظاهر
٥٩	وه گلالی گلالی زارزار	خیال
٦٠	بچه ماشی ماشی	ژیلا
٦١	گل په قره باغ دی	میرمن پروین و همراهان
٦٢	ای وای گل افروز	کریم شوقی
٦٣	شب مهتاب	ازاده
٦٤	دشاه صنم په عشق کی	آرمان
٦٥	تار ابریشم	ملینا
٦٦	واوالیلی صبا مزار میرم	استاد یعقوب قاسمی
٦٧	گل باغ من بیا و بلبل باغ	ژیلا
٦٨	سمنك درجوش	کورس زنان
٦٩	کجاوی او شالیلا	رخشانه
٧٠	دختر عموجان	شهروان و مرجان
٧١	یارنکوغمزه	آرمان
٧٢	با دل یار یار یار	استاد نتو
٧٣	د باغ بالا چنار بلند اس	کریم شوقی
٧٤	لوده دی غنمو یاره	قمرگل
٧٥	ای کبك دری	استاد یعقوب قاسمی

۷۶	راشه جانانه	پرستو
۷۷	یارم تنها نشسته لب دریا	عارف آزاده
۷۸	سرسرنار آمدی	ژیلا
۷۹	هلك نری چنار	کورس زنان
۸۰	آسمان که جاله میزد	ناشناس هماهنگ
۸۱	ماه منواختر شبهای من	آرمان
۸۲	بی بی صنم جانم	سرور
۸۳	انار انار نوبر من	شیدا
۸٤	گل گل انار اس فصل نوبهار	کورس زنان
۸۵	دلم تنگ اس	مسحور جمال
۸٦	تاکه نباشد همدم جانی	اسماعیل چهاربکاری
۸۷	وری	استاد نبی گل
۸۸	سیه چشمان	ناوك
۸۹	گل سنجد به برروی یارم	ملینا
۹۰	میرگله جان	کریم شوقی
۹۱	بی قرارم امشب نازبه دارم	رحیم جهانی
۹۲	ساقی ساقی جان پیاله پر می	ژیلا
۹۳	انگور باغت باغبان	سلما
۹٤	حنا بیاری	استاد قاسم
۹۵	چیری وری سالو می راوره	میرمن پروین
۹٦	آغا بیابریم الم گنج	کریم شوقی
۹۷	گل چیدم- چیدم - چیدم	میرمن پروین
۹۸	لیلی لیلی لیلی جان	احمد ظاهر
۹۹	جاله وان	احمد ولی
۱۰۰	دلبرکم بیا به کابل بریم	خلاند

نگاهی بر پیدایش

هنر موسیقی وموسیقی فلکلور

در نتیجهء کاوش و تلاش مداوم محققان و موزیکولوژیستان جهان به اثبات رسیده که موسیقی از آوازهای طبیعی مانند وزش باد روی برگهای درختان، شرشر آب، چهچهء بلبلان، چارنعلی اسپ، رعد و توفان گرفته شده است. همچنان اولین آلات موسیقی در زندگی انسانهای دورهء مغاره ها، یکی بعد دیگری از جمجمه سر، تولهٔ های پا و شاخهای خشکیدهء گاو های وحشی، گوزن ها و عاج فیل بوجود آمد و از پوست همین حیوانات سازهایی خوبی، چون تم تم ها و کانگه های خورد و کلان و از روده های آن تار سازهای مضرابی و از تولهٔ های پای آنها سازهای نفسی بدست آمده است که در تشکیل ارکستر های گوناگون، امروزی با تفاوت شکل و صیقل بهتر مورد استفاده قرار میگیرند. ولی سازهای قدیمی یا ساخته دست انسان را بنام سازهای مردمی یا فلکلوریك نگهداری کرده اند، در گذشته آوازهای عامیانه را با شعر، ضرب، و رقص ایقناع مینمودند. از اینرو با گذشت زمان مطالعاتی پیرامون تهیه و تدوین بهتر رقصهای بومی دورهء حجر صورت پذیرفت و هنر موسیقی فلکلور در اغلب کشور های جهان

گسترش یافت. پژوهشگران موسیقی و موزیکلوژیست ها، در دوره های پیشین، از شهری به شهری رفته به آگاهی های خویش می افزودند. اما حینیکه به یونان باستان رسیدند. یونان آن زمان از ریاضی دانان، منجمین و صاحب نظرات سایر علوم برخوردار بود و در قبال آن هنرهایی زیبا مانند(پیکر تراشی، نقاشی، موسیقی و رقص) وغیره، در عصر (هومر) شاعر نابینای یونانی هم با بذل توجه زیاد به جلو میرفت.در همین جا بود که عده یی از هنرها که هریك آنرا(موزMus) می نامیدند درجادهء اعتلاء و تکامل قامت برفراشتند. چنانچه هنر موسیقی جای ویژه را میان سایر هنرها احراز نموده بود و اندیشمندان موسیقی این عصر در هنر موسیقی با ایراد، دو حرف(IC) در پهلوی کلمه Mus موسیقی را ازسایر هنرها مه زا ساخته و بدین ترتیب توجه بیشتر نگارندگان و سنوندگان را بخود معطوف نمود. دیری نگذشت که موسیقی در میان مردم انعکاس یافته و با اغلب هنرها منجمله(تیاتر دکلمهء شعر و غیره) در آمیخت، چنانکه نخستین بار در فرانسه بسال ۱۵۸۱ و در روم بسال ۱٤۰۰-۱٦۰۰ درامی طور پانتومیم، وترانه هایی فلکلوریك با رقص توسط جوانان به گونهء دسته جمعی و(کورَس) به اجرا در آمده و مورد دلچسپی فراوان درآنروزگار قرار گرفت. آهسته،آهسته موسیقی نوازان و هنرمندان راه شانرا فراسویِ جادهء پر فروغ هنر موسیقی فلکلوریك دریافتند. کلمهء انتوگرافی را باین هنر اطلاق کردند. انتوگرافی دانشی است که اززیست و زندگی، رسوم و عادات، اخلاق و آداب و سایر ارزشهای کلتوری مردم یك سرزمین بحث میکند. چنانچه در اغلب آثار بدیعی و یا نمود های هنری مردمی مانند(تیاتر، موسیقی، شعر، ایما و اشاره رقص و سرود) ارتباط کامل دارد و مردم اینهمه ایجادیات را به سه کتگوری یعنی(حماسی، تمثیلی

و غنایی) قسمت نموده اند. طوریکه در ادبیات چه نوشتاری و چه شفاهی جای وژه، احراز نموده است. واژه ها و ژانرهای هنری که از اسلاف به اخلاف، انتقال یافته بودند ، این آثار فلکلوریك در هر مقطع زمانی به پیشرفت های شایانی نایل آمده، با آنکه برخی از کشور ها با یکسلسله کمبودی ها وکاستی ها در زمینه هنر فلکلوریك شان روبرو شدند. اما به اثر تشویق و جانبداری مردم راهش را به پیش گرفت.

همانطوری که قبلاً یاد آور شدیم موسیقی فلکلوریك و سایر پرداخته های ادب شفاهی ماچون داستان، دوبیتی ها، افسانه ها ارزیابی به زبانی واز سینه، به سینه یی انتقال یافته، بدون آنکه گوینده و سراینده آن روشن باشد. اصالت اش را در درازنای سده ها حفظ مینماید و در راستای زمانه ها و روزگاران این ایجادیات پر بار ملی و مردمی بیشتر متنوع گردیده است.

چنانچه در عصر حاضر کنسرت ها، نمایش های هنری بطور جداگانه با رفت و آمد ها و تبادلات هیأت های هنری بین کشور های جهان صورت میگیرد. تا باشد از یکسو به کلتور کشور های یکدیگر بلدیت حاصل نمایند و هم از جانب دیگر این رفت وآمدها معرف خوبی مبنی به گسترش ارتباطات و دوستی و تفاهم قرار گیرد. مسلم است که از قرن دوازدهم وشانزدهم بدینسو هنر موسیقی بطور علمی در عرصه گیتی متداول گردید چنانچه در سده های هفدهم و هژدهم بخصوص عصر جان سیاستین باخ موتسارت، بتهوفن، اشتراوس، اسکی کورساکوف، گلینکا، هایدن وروژبینری و امثال آنها با استفاده از داستهای پارین، اشعار فلکلوریك، در سرایش و آرایش آهنگهای خویش استفاده نمودند. تا اینکه به نوشتن سیفونی های بزرگ، از الهام فلکلور و نرشتن بالت و اوپرا ها نایل آمدند که این ادبیات فلکلوریك و

انعکاس آثار موسیقی شان نه تنها به هنرمندان فوق الذکر الهام بخش بوده بلکه برای نسل های که آنرا هنر کلاسیك نامیده اند نیز مژده بخشایی خوبی تلقی میگردد زیرا سرودها و ساخته ها و پرداخته های(فلکلوریك و کلاسیك) بالای شنونده اثر مندی قابل ملاحظه یی دارد. چنانچه در کشور عزیز ما افغانستان(لیسه مسلکی موزیك یاهنرها) که از سال ۱۳۵۳ بدینسو بحیث یگانه کانون آموزش و پرورش هنر موسیقی در سطح کشور در تربیت جوانان علاقمند موسیقی به سیستم نوتیشن بین المللی موسیقی دست اندر کار است طی سالهای پس از ایجاد، با وجود مشکلات توانست باند کوچك مارش و دستهء ارکستر مختلط را توسط شاگردان لیسه ترتیب و تنظیم نماید و عده از پارچه ها و سرودها را با کورس ها ثبت رادیو تلویزیون نمایند. در شرایط پسین بخاطر موجودیت مشکلات روزافزون منجمله عدم موجودیت محل کارکنونی لیسه هنرها، کمبود فزایندهء کادر فنی و مسلکی موسیقی و بسا مشکلات دیگر که امید مقامات فرهنگی کشور در زمینه توجه مبذول بدارند. چنانچه لازم است لیسه هنرها نتوانسته است کار گسترده و قابل توجهی در زمینه انکشاف هنرموسیقی ازپیش ببرد.

امیدواریم روزی با گسترش فعالیتهای لیسه مسلکی موزیك شاهد انکشافات درخشانی در موسیقی زیبا و دلپذیر افغانی باشیم.

ننگیالی

پیشگفتار چاپ اول

میگویند، موسیقی زبانیست که به حیث وسیله بیان احساسات درونی انسانها، بازتاب دهندهء مفاهیم و ارزشهای والای حیات اجتماعی و معنوی و بالاخره انعکاس دهندهء زیبایی و انسانیت در قلمرو زندگی آدمیان عرض وجود نمود

فقط موسیقی عامیانه و فولکلوریك است که نه تنها، روحیات و تمنیات مردم را در لابلای داستانها، افسانه ها، دوبیتی ها، لندی ها و قصه های راد مردان نامور و عاشقان پاکدل وطن ما چون(آدم خان و درخانی، بدری جمال و سیف الملوك، سیاه موی وجلالی، شهزاده بهرام و گل اندام» وغیره در وجود آهنگ های دل انگیز به نیکوئی تبارز داده اند، بلکه به مثابه گنجینهء بزرگ و پربار فرهنگی ما برای نسل های آیندهء این دیار مانده است. همچنان که ممالك پیشرفتهء جهان ازین چنین آهنگها و پرداخته های مردمی، سوژه بر داشته، و آنرا بگونهء(سفونی ها، بالت ها ، واپراها) وسعت داده و بمعرض نمایش قرار داده اند، علاوه بر آن در جمع آوری آهنگ های فلکلوریك مبادرت ورزید، در زمینه های ترویج و تنظیم و حتی نگارش آنها از هیچگونه سعی و کوشش دریغ نورزیده اند. چنانچه امروز در هر یك از کشور های جهان موزیکولوژیستان اصالت و قدامت تاریخی این ره آورد های مه و فرهنگی موسیقی را به پژوهش گرفته و به نسل های بعدی به طور

نبشته های ماندگار ملی به ارث نهاده اند که امروز این دست نویس ها وگرد آورده ها جزو نصاب آموزشی و پرورشی مکاتب، انستیتوت ها و سایر کانونهای فرهنگی اکادمیك گردیده است. طوریکه در کشور عزیز مان نیز تبلور و تبارز چنین دست آورد های موسیقی ملی و فلکلوریك، مانند آیینهء تمام نمای حیات روحی توده های هنر آفرین کشور ماست.

نخستین بار استادم محترم فرخ تقریباً نیم قرن قبل به تعداد شصت آهنگ فلکلوریك را که در جمع آوری قصه های آن مرحوم عبدالرؤف بینوا، سهم لرزندهء داشتند، در استدیوی رادیو کابل وقت در سال ۱۳۲۲ تحت رهنمائی استاد مرحوم ضمن کنسرتی که تنظیم آنرا من بدوش داشتم نشر شد. ولی در چاپ دومین کتاب آن پیك اجلی مهلتش نداد. از سوی دیگر محترم دوکتور عبداللطیف جلالی، زمانیکه سمت ریاست نشرات رادیوافغانستان را به عهده داشت بعد از تشکیل ارکستر بزرگ من عده از آهنگهای فلکلوریك را هارمونیزه کرده و در رادیوافغانستان وقت ثبت نمودم چنانچه سولیست ترمپت نوازی را نیز در ارکستر خودم بدوش داشتم، ازین جهت با درك اهمیتی سترگ که در زمینهء احیاء، تدریس و آموزش و غنامندی سروده های فلکلوریك نزدم محسوس بود، و رسالت بزرگ ملی و فلکلوریك خود میدانستم، به تعداد یکصد آهنگ را تحت عنوان(آهنگ های فلکلوریك افغانی) که در اصل بازتاب دهندهء ارزشهای اصیل موسیقی محلی مردم افغان میباشد تهیه و تدوین نمودم که البته این مجموعه به همت ریاست نشرات شورای مرکزی اتحادیهء انجمن های هنرمندان افغانستان اقبال چاپ یافته و بدسترس علاقمندان و دست اندرکاران موسیقی بخصوص شاگردان لیسهء مسلکی هنرها و پوهنحی هنرها قرار میگیرد.

در فرجام آرزو میکنم این اثر و گرد آورده هائی آن مورد استفاده اعضی علاقمندان قرار گیرد.

دختر کابل

دختر کابل یاری ماسخت اس — مست و مستانه جدایی سخت اس
دختر کابل یاری ماسخت اس — مست و مستانه جدایی سخت اس
اله دخترفدای خال رویت — دختر کابل یاری ماسخت اس
فدای چمکلی زیر گلویت — مست و مستانه جدایی سخت اس
من عاشق به وصل تو گرفتار — دختر کابل یاری ماسخت اس
بهمرای پدر در جستجویت — مست و مستانه جدایی سخت اس

دختر کابل یاری ماسخت اس — مست و مستانه جدایی سخت اس
دختر کابل یاری ماسخت اس — مست و مستانه جدایی سخت اس
دمی برج بلند یک نازنین اس — دختر کابل یاری ماسخت اس
عرق چین سرش و نشر چین اس — مست و مستانه جدایی سخت اس
اگر نامش بگیرم کشته میشم — دختر کابل یاری ماسخت اس
دو چشمش قیمت کابل نمین اس — مست و مستانه جدایی سخت اس

دختر کابل یاری ماسخت اس
مست و مستانه جدایی سخت اس

دختر کابل یاری ماسخت اس — مست و مستانه جدایی سخت اس

بادا بادا

بادا بادا ! الهی مبارک بادا ! ای وای یاریی
من دل بتو دادم توکل بخدا ، الهی مبارک بادا !

الهی مبارک بادا سوار دولت بادا همیشه مبارک بادا

یارب تو مرا به یار دمساز رسان ای وای یاریی
آوازهٔ دردمن به او باز رسان الهی مبارک بادا !
از هجر کسی که سالها می سوزم ای وای یاریی
او را به من و مرا به او باز رسان الهی مبارک بادا !

سوار دولت بادا ! همیشه مبارک بادا ! باشی سلامت بادا !

Andante

بسم الله جان

او بسم الله جانه ، خیالی بسم الله جانه
شال می راه واخله چی میلی ته سر و خونه
او بسم الله جانه
دمینی سازرا تغزیزی ، او بسم الله جانه
زرده می دزیزی چی له یاره جدایمه ، او بسم الله جانه
او بسم الله جانه ، کمکی بسم الله جانه
شال می راه واخله چی میلی ته سر و خونه
او بسم الله جانه
اوس می دی زره وزی وزی کړه ، او بسم الله جانه
ورو ورو ناری کړی چی مین وبانده یمه او بسم الله جانه
او بسم الله جانه ، خیالی بسم الله جانه
شال می راه واخله چی میلی ته سر و خونه

یا مولا دلم تنگ آمده

یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده

روزیکه دلم پیش دلت بود گرو — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
دامان مرا سخت گرفتی که مرو — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
حالیکه دلت جای دگر مایل شد — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
بوت کج من راست نهادی که برو — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده

یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده

یارب تو مرا به یار دمساز رسان — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
آوازه دردم به همآواز رسان — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
از هجر کسی که سالها می سوزم — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده
او را به من و مرا به او باز رسان — یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده

یا مولا دلم تنگ آمده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ آمده

بی بی رکو جان

چارگرد قلا گشتم، پایزیب طلا یافتم، پایزیب طلا یافتم
پایزیب طلا ازکیس، ازبی بی رکو جانس، از بی بی رکو جانس
او بی بی رکو جانم، جایت سر چشمانم
او خرد خوبانم، جایت سر چشمانم

درزیر درخت توت، انگشتری یاقوت، انگشتری یاقوت
انگشتری یاقوت، ازبی بی رکو جانس، ازبی بی رکو جانس
او بی بی رکو جانم، جایت سر چشمانم
او خرد خوبانم، جایت سر چشمانم

درلب لب پایان جوی، گیسرای قشنگ موی، گیسرای قشنگ موی
گیسرای قشنگ ازکیس، ازبی بی رکو جانس، ازبی بی رکو جانس
او بی بی رکو جانم، جایت سر چشمانم
او خرد خوبانم، جایت سر چشمانم

گل سیبم یار

شب کجا بودی گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار
وا وا گل سیب، گل سیب، گل سیبم، گل سیب
وا سرخ و سفید گل سیب، گل سیبم، گل سیب

ای شب تو بر روزگار من می مانی — گل سیبم یار
ای ماه نهان به یار من می مانی — گل سیبم یار
ای ابر سیه تو هم بر این حالت زار — گل سیبم یار
با دیده اشکبار من می مانی — گل سیبم یار

وا وا گل سیب، گل سیبم، گل سیب
وا سرخ و سفید گل سیب گل سیبم گل سیب

شب کجا بودی گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار
وا وا گل سیب، گل سیبم، گل سیب
وا سرخ و سفید گل سیب گل سیبم گل سیب

دلدار بمن گفت که چرا غمگینی، گل سیبم یار — در قید کدام دلبرک شیرینی گل سیبم یار
برخاستم و آینه پیشش دادم گل سیبم یار — گفتم که در آینه کی را می بینی، گل سیبم یار

شب کجا بودی گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار، پیش یار خود گل سیبم یار
وا وا گل سیب گل سیب، گل سیبم، گل سیب
وا وا گل سیب گل سیب گل سیبم، گل سیب

نصرو نصر جان

نصرو نصرو جان، جان ته قربان نصرو نصرو جان، جان ته قربان
کاکل نصرو بخدا تذر سخی جان کاکل نصرو به خدا تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان

ده باغ بالا چنار بلند اس ده باغ بالا چنار بلند اس
لبان یارم به خدا نبات و قند اس لبان یارم به خدا نبات و قند اس
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان

نصرو نصرو جان. جان ته قربان کاکل نصرو به خدا تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان

درگونه چپ خال خدایی درگونه چپ خال خدایی
داده چینت به خدا بس دلربایی داده چینت به خدا بس دلربایی
وای امانی. جان امانی بس دلربایی

نصرو نصرو جان. جان ته قربان نصرو نصرو جان. جان ته قربان
کاکل نصرو به خدا تذر سخی جان کاکل نصرو به خدا تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان
وای امانی. جان امانی. تذر سخی جان

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان سیل گل لاله زار ، وا وا دلبر جان
سیل گل لاله زار ، وا وا دلبر جان

برو با یار بگو یار تو آمد ـ گل نرگس خریدار تو آمد
گل نرگس خریدار تو آمد
برو با یار بگو چشم تو روشن ، همان یار وفادار تو آمد
همان یار وفادار تو آمد

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان سیل گل لاله زار وا وا دلبر جان
سیل گل لاله زار وا وا دلبر جان

سر کوی بلند فریاد کردم ـ علی شیر خدا را یاد کردم
علی شیر خدا را یاد کردم
علی شیر خدایا شاه مردان دل ناشاد ما را شاد گردان
دل ناشاد ما را شاد گردان

بیا که بریم به مزار ملا محمد جان سیل گل لاله زار وا وا دلبر جان
سیل گل لاله زار وا وا دلبر جان

آهسته برو

آستابرو ماه تابان آستابرو
آستابرو شاه خوبان آستابرو
آستابرو سرو روان آهسته برو

امشب ز خوشی مرغ هوای قصد آستابرو ماه تابان آستابرو
دیوار جدا و در جدا میر قصد آستابرو ماه تابان آستابرو
آستابرو تا نکنی پامالش آستابرو ماه تابان آستابرو
دل در قدم تو جا بجا میر قصد آستابرو ماه تابان آستابرو

آستابرو ماه تابان آستابرو
آستابرو شاه خوبان آستابرو
آستابرو سرو روان آستابرو

بیا که بردیم از زین ولایت من و تو آستابرو ماه تابان آستابرو
تو دست مرا بگیر و من دامن تو آستابرو ماه تابان آستابرو
جایی بردیم که هرد و بیمار شویم آستابرو ماه تابان آستابرو
تو از غم بیکسی و من از غم تو آستابرو ماه تابان آستابرو

آستابرو شاه خوبان آستابرو
آستابرو سرو روان آستابرو

Allegro

نازی نای نای

نازی نای نای اله نای نای اله نای
دل هیچ کس نمی سوزه برم وای
دل هیچ کس نمی سوزه برم وای

گل سرخ و سفیدم کی می‌آیی - وای
شیرین قد بلندم کی می‌آیی
مرا ماندی بطعنهٔ دوست و دشمن وای
بطعنه می کشندم کی می‌آیی

نازی نای نای اله نای نای اله نای
دل هیچ کس نمی سوزه برم وای

الا باغبان به باغت کار دارم وای
بتی یک دسته گل بیمار دارم
بتی یک دسته گل چیزی نگویی وای
که مانند گلت یک یار دارم

نازی نای نای اله نای نای اله نای
دل هیچ کس نمی سوزه برم وای

Andante

ای واگل من

ای واگل من زیبا گل من
به تو مالوم نشد داغای دل من

بهار آمد که یار جانم برآید
بروی سبزه ها گردش نماید
شیند برلب جوی روی سبز
که دیدار من مسکین نماید

ای واگل من زیبا گل من
به تو مالوم نشد داغای دل من

بیا یار جان که فصل نو بهار است
به هر سو شر شر آب روان است
بیا یار جان کنیم سیل شکوفه
تمام کوه و صحرا لاله زار است

ای واگل من زیبا گل من
به تو مالوم نشد داغای دل من

گل مره ساخته بنام خودقلندری

گل مره ساخته آس بنام خودقلندری وای الله
سوخت، سوخت تنو جانم

کاشکه خداوند، خداوند مره صید هوایی کنه
بام لیلا اولیلا بزنم پری وای الله او خیره نبینه

شیشته بدم گل که از پیش رویم خیل سور پری گذشت
کجا بینم، ببینم رخ دلبری وای الله سوخت سوخت رگ و جانم

مشک تازه می‌بارد

مشک تازه می‌بارد، ابر بهمن کابل
مشک تازه می‌بارد، ابر بهمن کابل
موج سبزه می‌کارد، کوی و برزن کابل

ابر چشم تر دارد، سبزه بال و پر دارد
ابر چشم تر دارد، سبزه بال و پر دارد
نزهت دگر دارد سرو سوسن کابل
نزهت دگر دارد سرو سوسن کابل
مشک تازه می‌بارد، ابر بهمن کابل
مشک تازه می‌بارد، ابر بهمن کابل

آسمان نیلی کار، از ستاره چشمک دار
آسمان نیلی کار، از ستاره چشمک دار
تا سحر بود بیدار، چشم روشن کابل
تا سحر بود بیدار، چشم روشن کابل

مشک تازه می‌بارد، ابر بهمن کابل
موج سبزه می‌کارد، کوی و برزن کابل
آب سرد و پاکش تاک و توت پرورش، آب بی‌غمانش تاک و توت پرورش
زنده می‌کند جانش طرف دامن کابل. زنده می‌کند جانش طرف دامن کابل

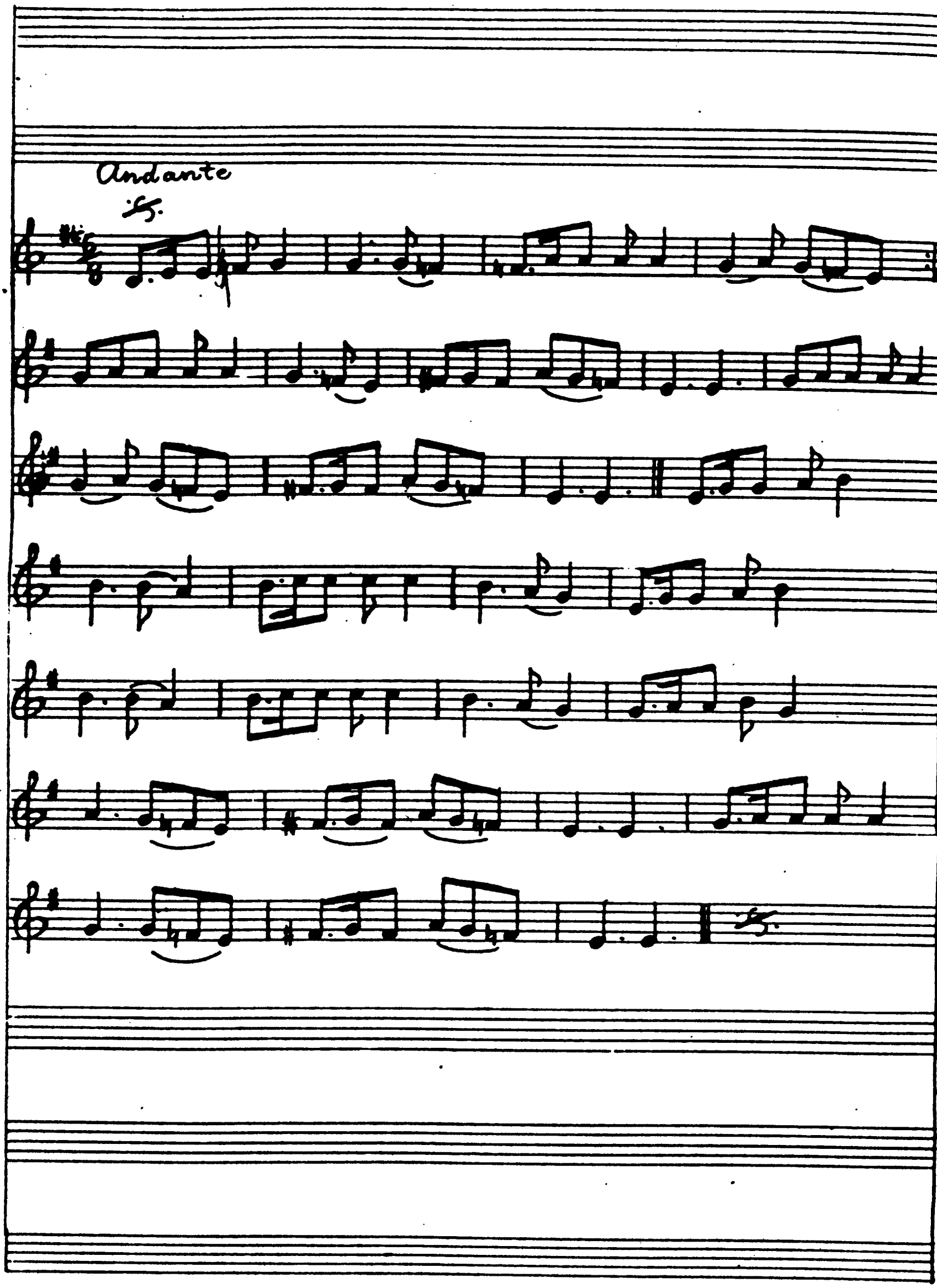
Andante
sf.

نازی همدم من

نازی جان همدم من دلبر من — نازی همدم من
شیرین یار دلبر و تاج سر من — نازی همدم من

چرا ازسی ره بالا نمیکنی یار — نازی همدم من
چرا سیل و تماشا می کنی یار — نازی همدم من
نمی ترسی ز فردای قیامت — نازی همدم من
مه می سوزم تماشا می کنی یار — نازی همدم من

نازی جان همدم من دلبر من — نازی همدم من
شیرین جان دلبر و تاج سر من — نازی همدم من

قربانت شوم مرغوله کاکل — نازی همدم من
حرامان می روی دم چوک کابل — نازی همدم من
حرامان می روی لنگر نداری — نازی همدم من
گر عشق مرا در سر نداری — نازی همدم من
نازی جان همدم من دلبر من — نازی همدم من
شیرین جان دلبر و تاج سر من — نازی همدم من

Andante

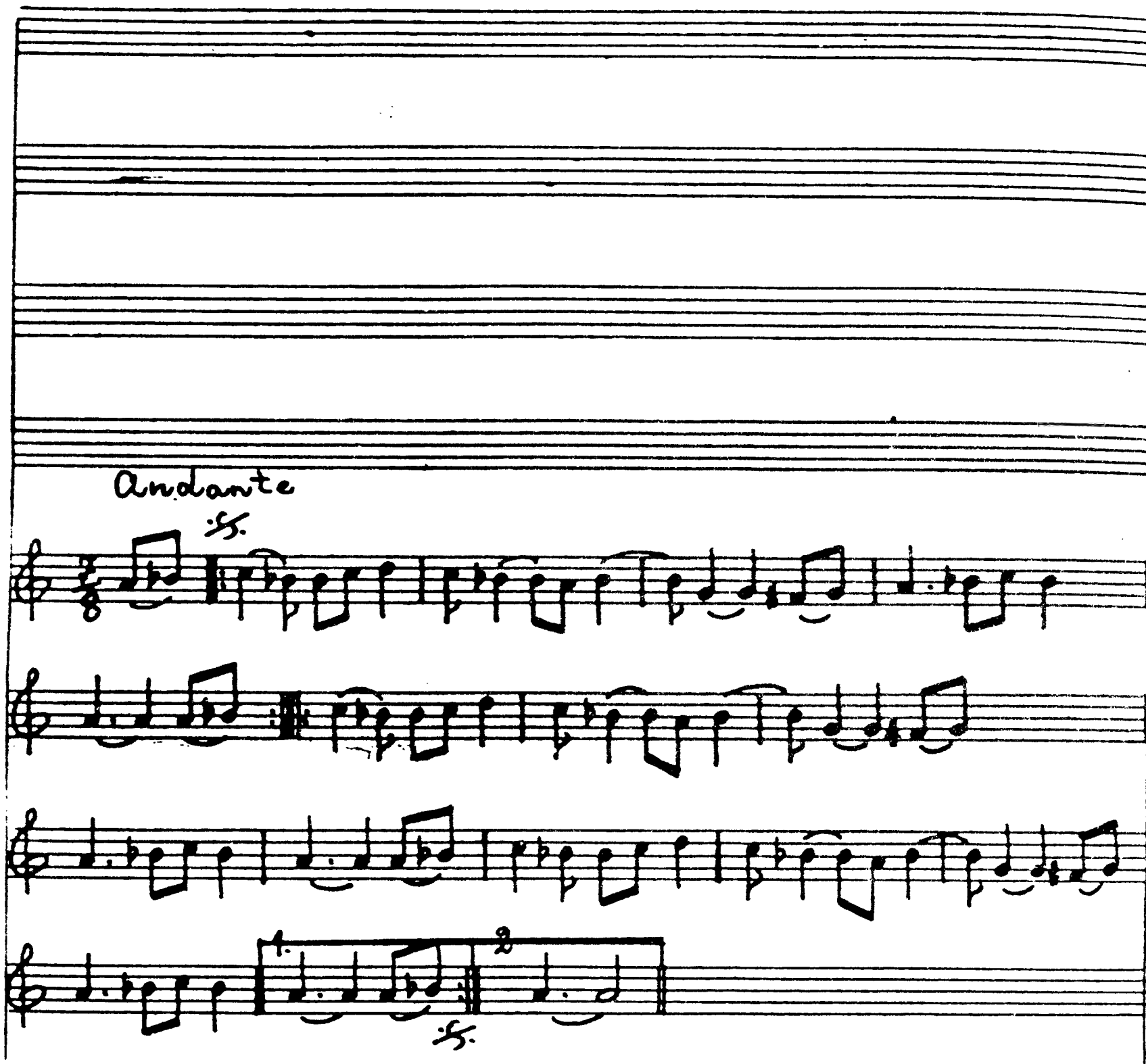

چشم پرخمار باشی ای بچه

شوخ کاکل دار باشی ای بچه　　سرخوش و سرشار باشی ای بچه
چشم پرخمار باشی ای بچه

شام و صبا گفته تغافل کدی　　چرا سویم دیده تجاهل کدی
برت سلام دادم تعلل کدی

از برم سرمست و خندان میروی　　از نگاه من تو پنهان میروی
هر شب جمعه به پیمان میروی　　نی که داده دار باشی ای بچه
شوخ کاکل دار باشی ای بچه. سرخوش و سرشار باشی ای بچه
چشم پرخمار باشی ای بچه

روز و شب از جان دعایت می کنم　　جان و دل را من فدایت می کنم
اگه وفادار باشی ای بچه　　سرخوش و سرشار باشی ای بچه
شوخ کاکل دار باشی ای بچه، چشم پرخمار باشی ای بچه
سرخوش و سرشار باشی ای بچه

چتری چتری گل استی

چتری چتری گل استی ، دختر کابل استی
مرغوله کاکل استی ، شاخه سنبل استی
مرغوله کاکل استی ، شاخه سنبل استی

دو چشمان سیاه خماری — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
شنیدم با رقیبان کاری — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
فراموشم مکن ای نوبهاری — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
که هر چند عاشق بسیاری — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی

مرغوله کاکل استی، دختر کابل استی
شاخه سنبل استی، دختر کابل استی

بیا که در بغل تنگت بگیرم — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
بلای کاکل چنگت بگیرم — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
بلای کاکل چنگت چه باشد — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی
دو صد بوسه ز لب قندت بگیرم — چتری چتری گل استی، دختر کابل استی

مرغوله کاکل استی، دختر کابل استی
شاخه سنبل استی، دختر کابل استی

زبیده

زار نالم زبیده ، بسیار نالم زبیده
زار نالم زبیده ، بسیار نالم زبیده
زبیده برگ بیده ، سرو گردن سفیده
او زما دل برده زار نالم زبیده

اگر آهی کشم بند بسوزه زار نالم زبیده
اول کشتی دوم لنگر بسوزه زار نالم زبیده
اگر آه دگر از دل برآرم زار نالم زبیده
اول دختر، دوم مادر بسوزه زار نالم زبیده
زار نالم زبیده ، بسیار نالم زبیده
زبیده برگ بیده ، سرو گردن سفیده
او زما دل برده ، زار نالم زبیده

جوانا تاب سرگوشی ندارم زار نالم زبیده
زخوبان طاقت دوری ندارم زار نالم زبیده
کسی با یار من سرگوشی میکرد زار نالم زبیده
خدایا تاب سرگوشی ندارم زار نالم زبیده
زار نالم زبیده بسیار نالم زبیده
زبیده برگ بیده سرو گردن سفیده
او زما دل برده زار نالم زبیده

PROPERTY OF
ACKU
5176

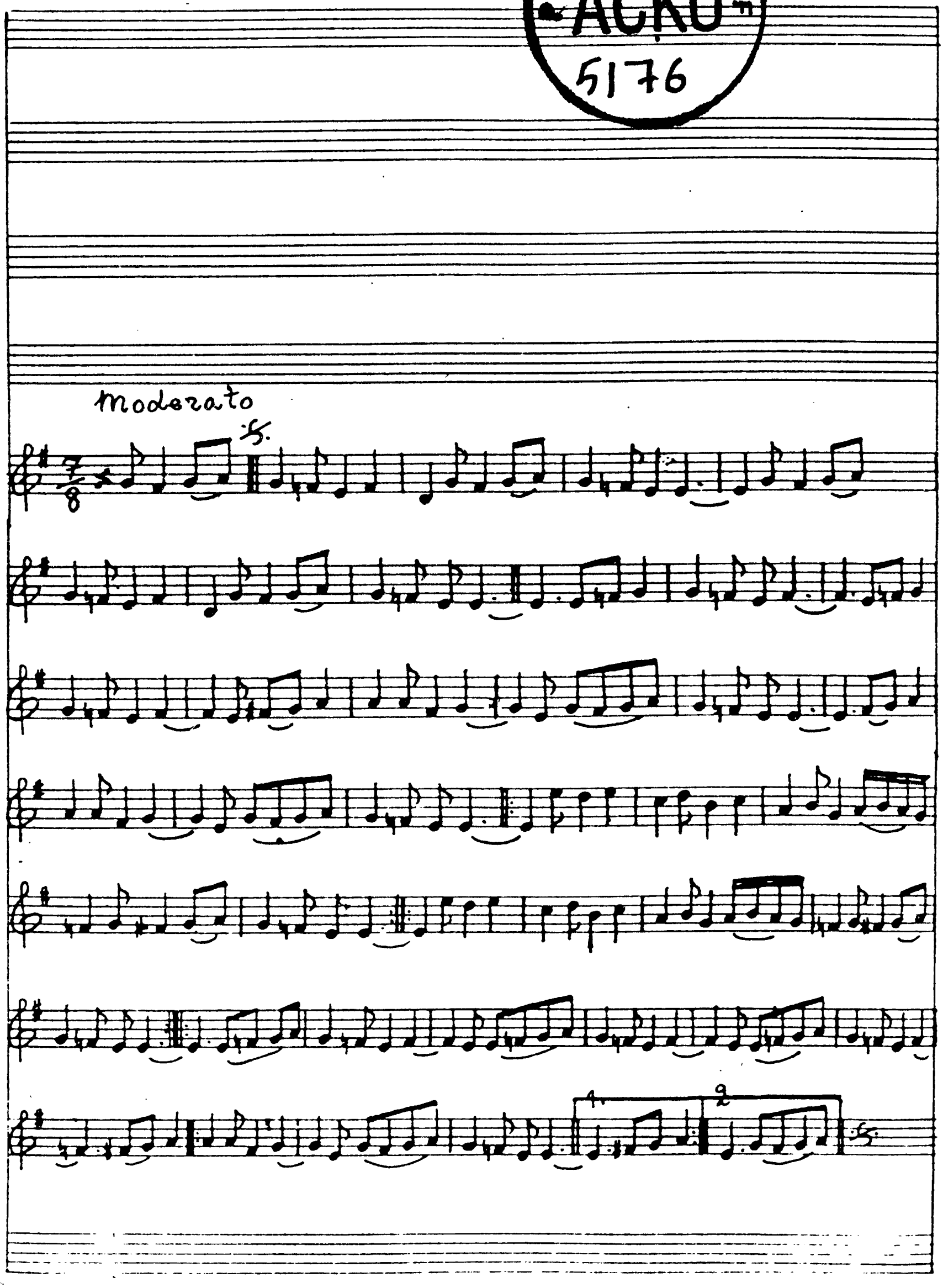

ستا دچار گل پروکی شال واچوه گرمی ده

ستا دچار گل پروکی زیره رو
شال واچوه گرمی ده

په مینه مینه راته گوره شال واچوه گرمی ده
زه د دنیا ژوندۍ ثابتلی یمه شال واچوه گرمی ده

عالمه ډیر گوره ته گوره شال واچوه گرمی ده
د پیغلو جنگ د په منگولو ښکل گوره شال واچوه گرمی ده

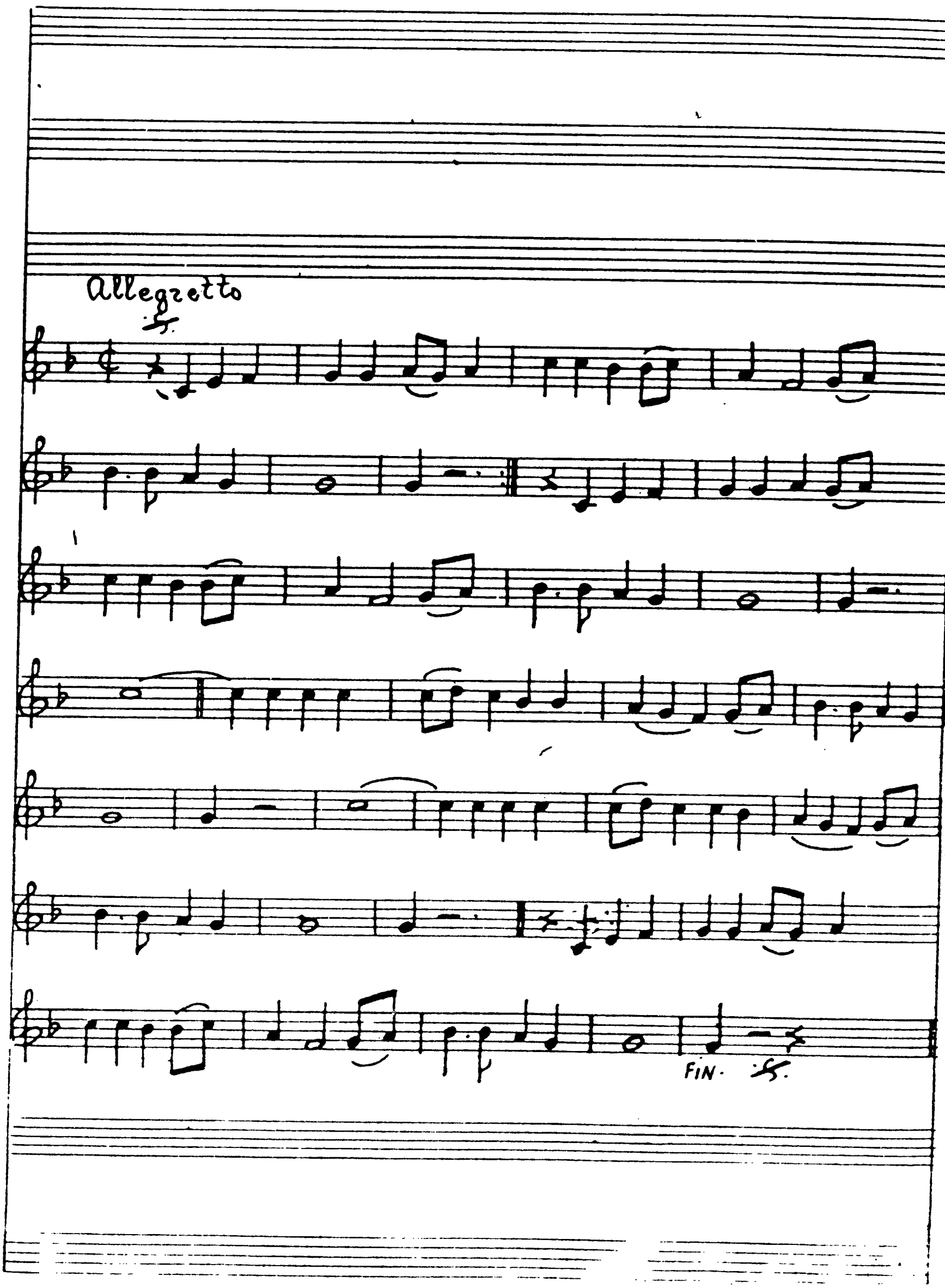
Allegretto
f.
FIN.
f.

زینبو یار جاهل من

زینبو یار جاهل من داغ زینب بر دل من
زینبو یار جاهل من داغ زینب بر دل من
بسکه دور اس منزل من، داغ زینب بر دل من
بسکه دور اس منزل من، داغ زینب بر دل من

برای راه میروی ای راه رفتربان اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
امیل وچمکلی گیرا رفتربان اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
امیل وچمکلی گیرا چه باشه اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
از زیر چادری چشمارفتربان اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من

اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
بسکه دور اس منزل من، داغ زینب بر دل من

زعشقت می کنم فریاد وفریاد زینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
که دادی حاصلم برباد برباد زینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
گذشتم من شبی از خواب شیرین زینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
شنیدم ناله فرهاد وفریاد زینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من
اوزینبو یار جاهل من، داغ زینب بر دل من، داغ زینب بر دل من
بسکه دور اس منزل من، داغ زینب بر دل من

وه دا ویلنبو واله

وه دا ویلنبو واله راتم شه دومره راتم شه چی دی وکرم دیدنونه
راتم شه

وه دا ویلنبو واله راتم شه

خدایه! کوچان په کوچ روان کړي راتم شه
چې دا بنایسته د پدرګی کړي دی حینه راتم شه
وه دا ویلنبو واله راتم شه دومره راتم شه چی دی وکرم دیدنونه
راتم شه

وه دا ویلنبو واله راتم شه

مادکوچي له عمره ځار کړی راتم شه
چې دسبا اوریل بلیزی دی تری حینه راتم شه
وه دا ویلنبو واله راتم شه دومره راتم شه چی دی وکرم دیدنونه

بیا به باغت باغبان

دلدار به من گفت که چرا غمگینی — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ
در قید کدام دلبرک شیرینی — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ
برجستم و آینه به دستش دادم — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ
گفتم که در آینه کی را می بینی — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ

انگور باغت ، من کبابت ، خورده شرابت ، باغبان باغت چه باغ
انگور باغت ، من کبابت ، خورده شرابت ، باغبان باغت چه باغ
قربانت شوم سفید کردن مو رده بیا به باغت — باغبان باغت چه باغ
کی امر خدا شوده بشینیم جوره — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ
جوره بشینیم که آینه مصاف شویم — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ
نمانه بدل هردوی ما غورده — بیا به باغت باغبان باغت چه باغ

انگور باغت ـ من کبابت ـ خورده شرابت ـ باغبان باغت چه باغ
انگور باغت ـ من کبابت ـ خورده شرابت ـ باغبان باغت چه باغ

شاه کوکو جان سرت شال میندازم

شاه کوکو جان سرت شال میندازم توشوتنی نی نی
برابر قدت گل میریزانم توشوتنی نی نی

نگارا دل اسیر روی وموبت توشوتنی نی نی
همیشه دارم ای گل آرزویت توشوتنی نی نی
دعای من همین باشد شب و روز توشوتنی نی نی
دوباره بینم آن روی نیکویت توشوتنی نی نی

شاه کوکو جان سرت شال میندازم توشوتنی نی نی
برابر قدت گل میریزانم توشوتنی نی نی

مالک جان

مالک جانه ، مالک جانه ، مالک جانه نو
اوزمایاره دانوی شال دی واخله

ترخمار دستر گودی خارشم
مالک جانه نو ، اوزمایاره دانوی شال دی واخله
چی یه ژیراشی ملغلری تویه وینه
مالک جانه نو ، اوزمایاره دانوی شال دی واخله

سایه کالنی یوملی ژاری ، مالک جانه نو اوزمایاره دانوی شال دی واخله
چی یوآشنا لربه اخلی رخصتونه
مالک جانه نو اوزمایاره دانوی سال دی واخله

مالک جانه ، مالک جانه ، مالک جانه نو
اوزمایاره دانوی شال دی واخله

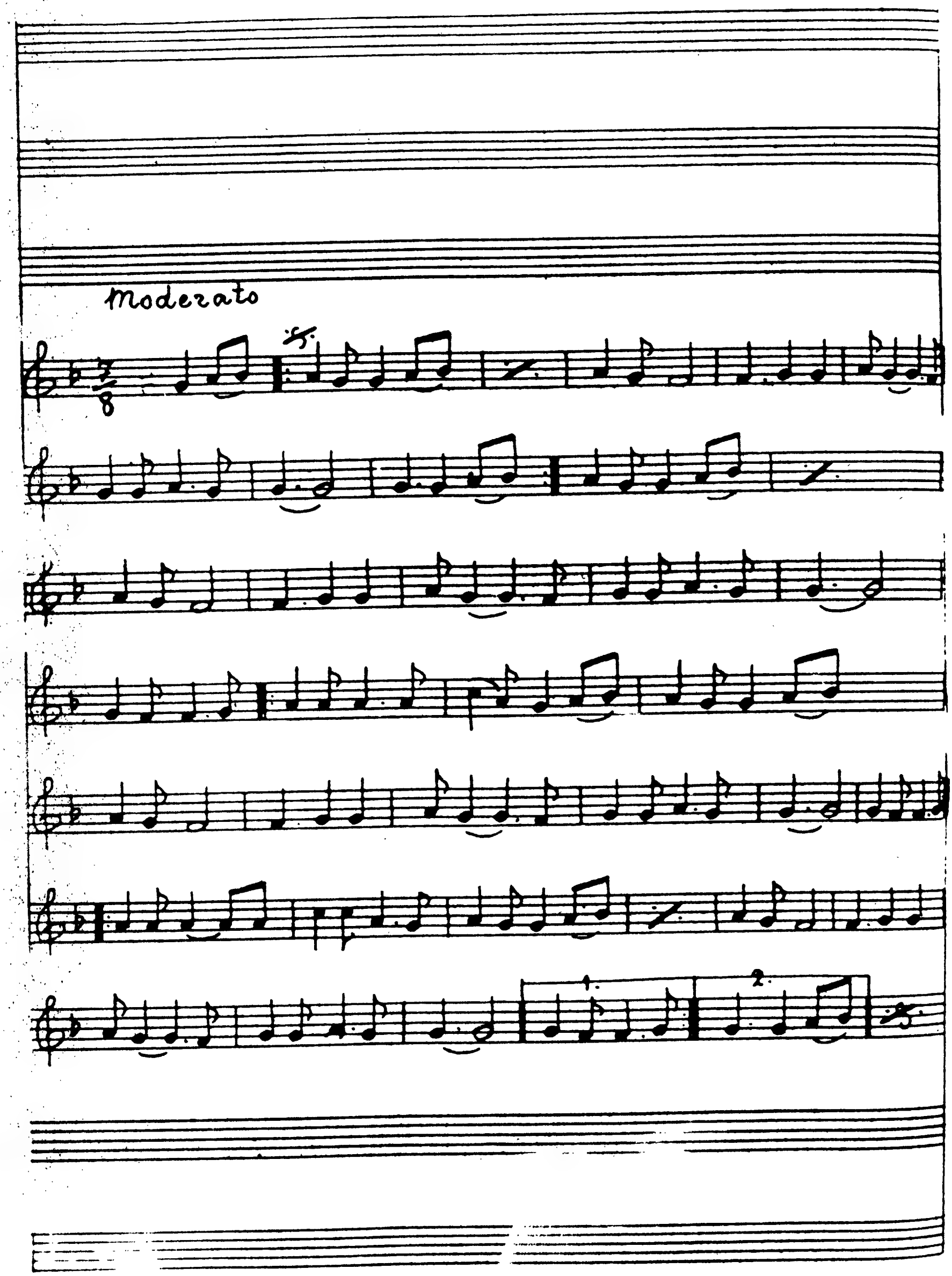
Moderato
1.
2.

گل دی پر زلفو

گل دی پر زلفو باندی کتاردی
دوا چشمان دی مجبو باگل دانار دی توبه توبه
گل دی پر زلفو

دیدن دگلوغونچه نه ده
چی دریار په لاس یی پارته ولیزمه توبه توبه
گل دی پر زلفو

گلاب پخپل صورت مین وُ
زما جانان یی ولیده وشرمیده توبه توبه
گل دی پر زلفو

گل دی پر زلفو باندی کتاردی
دوا چشمان دی مجبو باگل دانار دی توبه توبه
گل دی پر زلفو

Moderato

باغ دی یم باغوانه

باغ دی یم باغوانه دی له باغ طوطیانو لوت کړ
سباحُسن له خیالی باغه اولیلو باغ دی یم باغوانه

گلونه دیر دی خدای دی دیر کړی
دپیکی گل می خپل آشنا ورلیږمه

باغوانه باغ می دی خوښ نه شو
چې په کی نشته دلبلبو آوازونه

Moderato

آلو آلو آلو

آلو آلو آلو آلو رسیده بدشت و کوهسار گل ها دمیده آلو
آلو آلو آلو آلو چه رنگ اس گل دستمال یارسند دو رنگ اس آلو

بیا یارجان که فصل نوبهار اس به هر سو شر شر آب روان اس آلو
بیا یارجان کنیم سیل شکوفه تمام کوه و صحرا لاله زار اس آلو
آلو آلو آلو آلو آلو آلو
آلو آلو آلو آلو آلو آلو

نگار بیوفا از در آمد بهار پر شکوفه از سر آمد آلو
سپند آسا ز جا جستم به هر سو ز هر جا بوی مشک و عنبر آمد آلو
آلو آلو آلو آلو آلو آلو
آلو آلو آلو آلو آلو آلو

گندم در وشد

گندم در وشد نیامد یارم
خدا میداند چه حالی دارم
دختر روستایی ناز دانه
بیا که دایم در انتظارم

بیا لیلی که مجنون در برم نیست
جدایی کرده ام هوش در سرم نیست
جدایی کرده ام از یار جانی
چو مرغان قفس بال و پرم نیست
گندم در وشد نیامد یارم
خدا میداند چه حالی دارم
دختر روستایی ناز دانه
بیا که دایم در انتظارم

سه روزه رفته ای سی روزه حالا
زستان رفته ای نوروزه حالا
خودت گفتی سر هفته می آیم
شماره کن ببین چند روزه حالا
گندم در وشد نیامد یارم
خدا میداند چه حالی دارم

شینکی بابا

زه به جارو کرم زیارتونه شینکی بابا
که می قبول کی د اسوالونه شینکی بابا

ادکی سور سالومی راکړه
دکلی پغلی دبابا زیارت ځینه

که می څپه جانان پخلاشو
نور به درب په درکی نه کوم سوالونه

زه به جارو کرم زیارتونه شینکی بابا
که می قبول کړی د اسوالونه شینکی بابا

Moderato

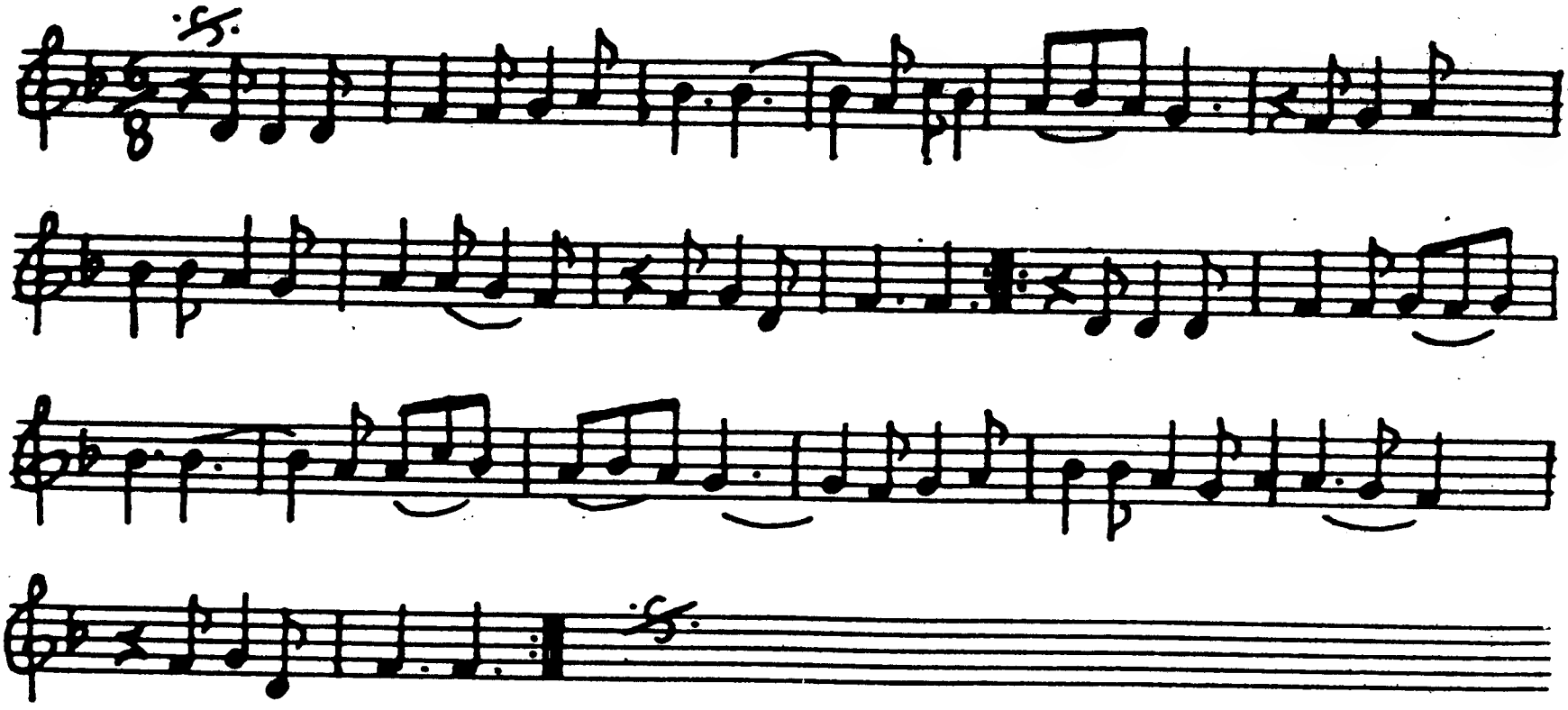

فاتوجان

آمدی از راه بدخشان دمی ، جان ، جان ، جان فاتو جانمی
قدم گذاری سر چشمان دمی وای وای ، وای فاتوجانمی

الهی دشمنت خسته بینم جان ، جان ، جان فاتوجانمی
به قلبش خنجری تا دسته بینم وای ، وای ، وای فاتوجانمی

آمدی از راه بدخشان دمی ، جان ، جان ، جان فاتوجانمی
قدم گذاری سر چشمان دمی ، وای ، وای ، وای فاتوجانمی

ستاره در هوا می بینم امشب جان ، جان ، جان فاتوجانمی
زمین را زیر پا می بینم امشب وای ، وای ، وای فاتوجانمی
همه با یار خود دستی بگردن جان ، جان ، جان فاتوجانمی
ترا از خود جدا می بینم امشب وای ، وای ، وای فاتوجانمی

آمدی از راه بدخشان دمی ، جان ، جان ، جان فاتوجانمی
قدم گذاری سر چشمان دمی ، وای ، وای ، وای فاتوجانمی

سبزک لب جوی

سبزک لب جوی ، یار سبزک لب جوی
سبزک لب جوی ، یار سبزک لب جوی
من عاشق تو سبزک لب جوی

در باغ شما دو بته نیشکر است سبزک لب جوی
در زیر بته دو دختر لشکر است سبزک لب جوی
خوابش برده دو شکش زیر سرش سبزک لب جوی
بیدارش نکو که عاشقی در دسرس سبزک لب جوی

سبزک لب جوی ، یار سبزک لب جوی
من عاشق تو سبزک لب جوی

انار انار بیاده بالینم

انار انار بیاده بالینم شبنم گل نار بیاده بالینم
وای گل انار بیاده بالینم شبنم گل نار بیاده بالینم

انار تا شقرغان سیب سمرقند انار انار بیاده بالینم وای گل انار بیاده بالینم
جدایی یار گلم بیخ مرا کند انار انار بیاده بالینم وای گل انار بیاده بالینم
هر آنکس که او ره از من جدا کرد انار انار بیاده بالینم وای گل انار بیاده بالینم
دمو آتش بسوزه مثل اسپند انار انار بیاده بالینم وای گل انار بیاده بالینم
وای گل انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم
انار انار بیاده بالینم - گل انار بیاده بالینم

درخته خم کنم انار بچینم انار انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم
جوان و مجرد تا کی نشینم انار انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم
جوان و جاهل و ریش سیده انار انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم
به معهد بیوفا تا کی نشینم انار انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم

وای گل انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم
انار انار بیاده بالینم - شبنم گل نار بیاده بالینم

Allegro

f.

FIN.

Hotel Inter Continental Kabul Afghanistan

نساجان

نساجان گلک من دلک من وای نساجان
گل سرخ و سفید مقبولک من نساوای گلک من

جوانا تاب مجوری ندارم وای نساجان
زخوبان طاقت دوری ندارم نساوای گلک من
کسی با یار من سرگوشی میکرد وای نساجان
خدایا تاب سرگوشی ندارم نساوای گلک من
نساجان گلک من دلک من وای نساجان
گل سرخ و سفید مقبولک من نساوای گلک من
نگار نازنین ریزه دندان وای نساجان
مرا از عشق تو بردن بزندان وای نساجان
چرا غم می خوری ای یار نادان وای نساجان
دو تا گوشواره دارم مال دیوان نساوای گلک من
نساجان گلک من دلک من وای نساجان
گل سرخ و سفید مقبولک من نساوای گلک من

انار دانه نداره

انار دانه نداره ـ اناری بیدانه
انار میذدانه ـ اناری بیدانه

دوتا دختر ده ای راه جوره میره
یکی پیش و دگیش دنباله میره
مرقربان اموپیشگه دختر
انارش کم شده پالیده میره

انار دانه نداره ـ اناری بیدانه
انار میذدانه ـ اناری بیدانه

بیا هردوی ما یک یار باشیم
میان پردهٔ انار باشیم
میان پردهٔ انار شیرین
یکی خواب و دگر بیدار باشیم

انار دانه نداره ، اناری بیدانه
انار میذدانه ، اناری بیدانه

په لویو غرو

په لویو غرو باندې راتاوشوتو پانونه
زلې وریښې مې ځه دلته شپه وکړه
پاتې شه باران دی

په لوړو غرو د خدای نظر دی
په سرلی واورې وروی لمن ګلونه

زما د غرونو پنا یاره
سپوږمۍ ته ګوره زه په بام ولاړه یمه

وای لا شاه شابوجان

وای الا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
وای الا شاه شابوجان الا شیرین الا ریزه گل مرجان

بیا یار جان که باهم یار باشیم ، وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
میان پرده انار باشیم ، وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
میان پرده انار شیرین ، وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
یکی خواب و دیگر بیدار باشیم وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان

وای لا شاه شابوجان لا - شیرین الا ریزه گل مرجان

مسلمانا ببینین شب چه وقت اس وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
که بلبل مست و شیدای محبت اس وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
که بلبل می پره شاخه به شاخه وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
جدایی مادر و دختر چه سخت اس وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان
وای لا شاه شابوجان لا شیرین الا ریزه گل مرجان

جانم بنفشی مه

دو سه روز است که دلدارم نیامد — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
ز عشقش زار و بیمارم نیامد — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
عزیزان نامه دارم تا صدم کو — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
که بفرستم چرا یارم نیامد — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه

یار همیشی مه مرواری خوشی مه
نمیره یار جانم بمانه دو دانم

نگارا دل اسیر روی و مویت — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
همیشه دارم اے گل آرزویت — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
دعای من همین باشد شب و روز — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه
دوباره بینم آن روی نکویت — جانم بنفشی مه مرواری خوشی مه

یار همیشی مه مرواری خوشی مه
نمیره یار جانم بمانه دو دانم

خان دلاور خانه.

خان دلاور خانه تورده دی لونگی شمله دی لاڵ مزه کوینه
گلی لی لی گلی توری ستر کی سڑ لاسونه لاغم زیاتوینه

مخ دی په سپینی کی سرخی وایی
لکه خاصه چی پر گلاب وغوړوینه
خان دلاور خانه تورده دی لونگی شمله دی لاڵ مزه کوینه
گلی لی لی گلی توری ستر کی سڑ لاسونه لاغم زیاتوینه

جانان زما زړه جانان یم
که په بازار می خرڅوی در سره څمه
خان دلاور خانه تورده دی لونگی شمله دی لاڵ مزه کوینه
گلی لی لی گلی توری ستر کی سڑ لاسونه لاغم زیاتوینه

دمنگی غاره

دمنگی غاره می شنه لمنی لی سپینه کنه
بل په غاره مه زنگیږی تا ویږوزنه کنه
دمنگی

پاس پرکمره ولاړه گله
نصیب د چالی او به زه دخیژومه

چی کله کله را په یاد شی
لکه پتیم د پسی او منگی تویوومه

دمنگی غاره می شنه لمنی لی سپینه کنه
بل په غاره مه زنگیږی تا ویږوزنه کنه
دمنگی

Moderato

سنجی جان میروی

سنجی جان میروی مارا دعاکو — نازی همدم من
به ای سو میروی او سو نگاه کو — نازی همدم من

سفیدستی میوش کالای سیاه را — نازی همدم من
به جلوه میکشی ظالم تو ما را — نازی همدم من
به جلوه میکشی خون داری مشی — نازی همدم من
جوان هستم ببین روی خدارا — نازی همدم من

سنجی جان میروی مارا دعاکو
سنجی جان میروی مارا دعاکو

مسلمانا ببینید شب چو قت اس — نازی همدم من
که بلبل مست و شیدای دخت اس — نازی همدم من
که بلبل می پرد شاخه به شاخه — نازی همدم من
جه ایلی مادر و فرزند چه سخت اس — نازی همدم من

سنجی جان میروی مارا دعاکو
سنجی جان میروی مارا دعاکو

نقش قالین

نقش قالین استم چه میپرسی مرا فرش زمین استم چه میپرسی مرا
یار دیرین استم چه میپرسی

ای آنکه لبت ز لعل و مرجان بهتر نقش قالین استم چه میپرسی مرا
زلفان ترت ز سنبلستان بهتر نقش قالین استم چه میپرسی مرا
هر لحظه در آغوش خیالم باشی نقش قالین استم چه میپرسی مرا
بگذار ز وصل تو هجران بهتر نقش قالین استم چه میپرسی مرا

فرش زمین استم چه میپرسی مرا
یار دیرین استم چه میپرسی مرا

دلدار به من گفت که چرا نمیبینی نقش قالین استم چه میپرسی مرا
در بند کدام دلبر شیرینی نقش قالین استم چه میپرسی مرا
برجستم و آیینه پیش رو آدم نقش قالین استم چه میپرسی مرا
گفتم که در آیینه کی می بینی نقش قالین استم چه میپرسی مرا

فرش زمین استم چه میپرسی مرا
یار دیرین استم چه میپرسی مرا

شاه نگار جانم

شاه نگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو، مهمانت شوم، عجب نگاری استی
شانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو، مهمانت شوم عجب نگاری استی

یارم سر در خودم سر دروازه ـ شانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
یارم گلسرخ خودم پنیر تازه ـ شانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
هرکس که با او پنیر دست اندازه شانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
دستش شود خشک پنیر بماند تازه شانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
شانگار جانم قربان سرت وعده داری کو، مهمانت شوم عجب نگاری استی
شانگار جانم قربان سرت وعده داری کو، مهمانت شوم عجب نگاری استی
از آمدنت اگر خبری داشتم اونگار جانم قربانت شوم، وعده دار کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
سر تا قدمت کوچه رو گل می کاشتم اونگار جانم قربانت شوم، وعده دار کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
گل می کاشتم گل گلاب می کاشتم اونگار جانم قربانت شوم، وعده دار کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
خاک قدمت به دیده می روفتم اونگار جانم قربانت شوم، وعده دار کو مهمانت شوم عجب نگاری استی

شانگار جانم قربانت شوم، وعده دار کو مهمانت شوم عجب نگاری استی
سانگار جانم قربانت شوم، وعده داری کو مهمانت شوم عجب نگاری استی

یار-یار-یاری

یار یار یاری ابروی دم ماری یار یار یاری چشمان پرخماری
یار یار یاری زلفان تابداری

دو چشم پرخمارت را کی داره یار یار یاری ابروی دم ماری
دو ابروی دم مارت را کی داره یار یار یاری چشمان پرخماری
گردم کوه بکوه صحرا به صحرا یار یار یاری زلفان تابداری
بر سم اختیارت کی داره یار یار یاری چشمان پرخماری

سر چشمه نشستم بازه کردم یار یار یاری ابروی دم ماری
نظر بر ابری جانانه کردم یار یار یاری چشمان پرخماری
نظر کردم ندیدم مانخورا یار یار یاری زلفان تابداری
گریبان تا به دامن چاک کردم یار یار یاری چشمان پرخماری

مرغ دلکم نی نی

مرغ دلکم نی نی مرغ دلکم آمده امروز
بر دیدن یار چه عجب خوب اس
لازم اس بمن نی نی، لازم اس بمن که بیایم من دیدن نگار چه عجب خوب اس

مرغ دلکم شده سودایی - بر سوی چمن میشوه راهی
دارد دلکم نی نی دارد دلکم میل آشنایی
مرغ دلکم نی نی دارد دلکم میل آشنایی
سالها بودم در آرزویت، یکبار ببینم رخ دلجویت
بر دماغ من نی نی بیاردبویت - خالق جبار چه عجب خوب اس
مرغ دلکم نی نی مرغ دلکم، آمده امروز
مرغ دلکم نی نی مرغ دلکم، آمده امروز

یارب تو خدای عالمیانی - کار بساز و کریم بلکه رحمانی
گل خلاص کنی نی نی - گل خلاص کنی تو به آسانی از پهلو خار
چه عجب خوب اس

سکینه

سکینه مست و من مست سکینه عرقچین سرم دوخت سکینه
سکینه مست و من مست سکینه عرقچین سرم دوخت سکینه
خودم مست سکینه، سرم مست سکینه، دلم مست سکینه

به قربان سرای زینه زینه
به قربان سر و چشم سکینه
اگر دانم ترا به من نمیتن
دو دست بر سر زنم خنجر به سینه

سکینه مست و من مست سکینه عرقچین سرم دوخت سکینه
سکینه مست و من مست سکینه عرقچین سرم دوخت سکینه
خودم مست سکینه، سرم مست سکینه، دلم مست سکینه

گلدانی انار آغا

گلدانی انار و برگ گلدانی انار آغا — گلدانی انار آغا

در باغ شما گل سفیدی دیدم آغا — گلدانی انار آغا

خواستم بکنم ز باغبان رسیدم آغا — گلدانی انار آغا

نرگ نرگ ز باغبان پسیدم آغا — گلدانی انار آغا

گل گردسرت بابه تبو بخشیدم آغا — گلدانی انار آغا

گلدانی انار و برگ گلدانی انار آغا — گلدانی انار آغا

روزی که فلک از تو بریدست مرا آغا — گلدانی انار آغا

کس بالب پر خنده ندیدست مرا آغا — گلدانی انار آغا

چندان غم هجران تو در دل دارم آغا — گلدانی انار آغا

من دانم و آنکه آفریدست مرا آغا — گلدانی انار آغا

گلدانی انار و برگ گلدانی انار آغا — گلدانی انار آغا

Allegro moderato

پسته فروش

پسته فروش پسته بفروش ـ لب یار نازک اس آهسته بشکن میده بفروش
پسته فروش پسته بفروش ـ لب یار نازک اس آهسته بشکن میده بفروش

به دستهای سفیدت گل گرفتی
مرا دیدی خوده غافل گرفتی پسته بفروش

نشد فرصت که راز دل بگویم
چطوز یار شیرین دل گرفتی پسته بفروش
اوپسته فروش پسته بفروش ـ لب یار نازک اس آهسته بشکن میده بفروش
اوپسته فروش پسته بفروش ـ لب یار نازک اس آهسته بشکن میده بفروش

زمین خاره را گندم بکارم
ترا وقت درو با خود بیارم

به مویت خوشه گندم ببندم
به پایت قوده گندم گذارم
اوپسته فروش پسته بفروش لب یار نازک اس آهسته بشکن میده بفروش

ماگل ورته ساتلی

ماگل ورته ساتلی دی گلفام نه راځی گلفام نه راځی
قاصدی ورلیږلی دل آرام نه راځی دل آرام نه راځی

له مایلی زړه وخپه دی که اغیار دی لمسوی
قاصده ورشه زر په سر دبام نه راځی
ماگل ورته ساتلی دی گلفام نه راځی

سبایلي وعده وکړه چې بیګاله به درځم
دا ورځ څومره اوږده شوه چې مابنام نه راځی

ماگل ورته ساتلی دی گلفام نه راځی
قاصدی ورلیږلی دل آرام نه راځی

شاکوکوجان

الا ـ شفای جان بیمارم تو باشی الا شاکوکوجان
الا ـ عزیز دلبر و یارم تو باشی الا شاکوکوجان
الا ـ میان جمله خوبان گل اندام الا شاکوکوجان
الا ـ گل مقبول دلجارم تو باشی الا شاکوکوجان

الا شاکوکوجان فرخاری ره قربان ـ الا شاکوکوجان
الا بگردن هار مرواری ره قربان ـ الا شاکوکوجان
بسرتاقین قنداری ره قربان ـ الا شاکوکوجان

الا گذر از کوچه یارت نکردی الا شاکوکوجان
الا ـ چرا پرسان بیمارت نکردی الا شاکوکوجان
الا ـ سر و جان من پروازخوا الا شاکوکوجان
الا ـ نثار شمع رخسارت نکردی الا شاکوکوجان

الا شاکوکوجان فرخاری ره قربان الا شاکوکوجان
الا بگردن هار مرواری ره قربان الا شاکوکوجان
بسرتاقین قنداری ره قربان الا شاکوکوجان

لالیه ! گل می‌ری وره

نری نری و به راحی ما دو بوینه
لالیه ! گل می را وره

ساقی سلام به درته و کرم
یو دو پیاله ارغوانی را وره بینه
لالیه ! گل می را وره

گل می په لاس دی ولاړیم
یا می گل واخله یا رخصت را که چې خم
لالیه ! گل می را وره

نری نری و به راحی ما دو بوینه

سرخ و سفید همدم خوبانومی

سرخ و سفید همدم خوبانومی — سبزینه رنگ آمده مهمانومی
سر به قدمهای خوشش می نهم می نهم — هر نفسی میکنی پرسانومی

دست به دست هر دوی ما بیاردیم — سیل کنان سوی گلستان رویم
گرم و خنک گشته دلم از شتاب — از شتاب اوف نکو سوخت دل و جانومی

سرخ و سفید همدم خوبانومی — سبزینه رنگ آمده مهمانومی
نخره کده پیشه گلم می گذریی — آتشکی می زنی در جانومی
دلبرک من منشین برزمین — جای تو باشد سر چشمانومی

سرخ و سفید همدم خوبانومی
سرخ و سفید همدم خوبانومی

Allegretto

f.

Da capo

لیلا لیلا نوروز اس

لیلا - لیلا نوروز اس ، خدایا دنیا دو روز اس
لیلا - لیلا نوروز اس ، خدایا دنیا دو روز اس

بیا لیلی که مجنون در برم نیست لیلا لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
جدایی کرده ای هوش در سرم نیست لیلا لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
جدایی کرده ای از یار جانی لیلا لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
چو مرغان قفس بال و پرم نیست لیلا لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس

لیلا - لیلا نوروز اس ، خدایا دنیا دو روز اس
لیلا - لیلا نوروز اس ، خدایا دنیا دو روز اس

بهار آمد که یار جانم برآید لیلا لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
به روی سبزه ها گردش نماید لیلا - لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
نشیند در لب جو روی سبزه لیلا - لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس
که دیدار من مسکین نماید لیلا - لیلا نوروز اس خدایا دنیا دو روز اس

لیلا لیلا نوروز اس ، خدایا دنیا دو روز اس

دلم آمده در جوش

دلم آمده در جوش بر وصل تو ای گل . بخوانم مثل میل
رخت ماه درخشان ، گل و سوسن و سنبل ، بخوانم مثل میل

بخوانم صفت دلبری دوست وفادار ، مرا ساخته بیقرار
خرامان کده گل میره به سیل چمن و گل ، بخوانم مثل میل
دلم آمده در جوش بر وصل تو ای گل ، بخوانم مثل میل

سفیدی رویته قربان تنت آ مالوچ لغمان بکن دسته مهمان
پیچم به سر اپای تو مثل رخت کابل ، بخوانم مثل میل
دلم آمده در جوش بر وصل تو ای گل ، بخوانم مثل میل

او به دره را دارم

او به دره را دارم سایه در تپه نخوم
یاره خم در سر دخو دی و رانه شه جوگی

به کلا دوی کوتری یا استی
یود و یشتل کابل یی جان نیگاره وینه

یار می هند و زمسلمان یم
دیار و پاره در سال حاره کوده

او به دره را دارم سایه در تپه نخوم
یار و خم در سر دخو دی و رانه شه جوگی

سرپل مالان دختری دیدم

سرپل مالان دختری دیدم — قشنگ و زیبا او ره پسندیدم
سرپل مالان دختری دیدم — قشنگ و زیبا او ره پسندیدم
قدش بلند بود، راس میگی — ابرویش کمند بود، راس میگی
موهایش چنگ بود راس میگی

چکنم و فاندارہ نظری بمانداره — نمی آیه نمی آیه
چکنم و فاندارہ نظری بمانداره — نمی آیه نمی آیه
وه ای راه میرود مادر و دختر — که مادر سرخ و دختر خون کمتر
بدل گفتم که اش را بگیرم — غلام مادر و شیدای دختر

سرپل مالان دختری دیدم — قشنگ و زیبا او ره پسندیدم
قدش بلند بود، راس میگی — ابرویش کمند بود، راس میگی
موهایش چنگ بود راس میگی — نمی آیه نمی آیه

کوته واله دار

کوته واله دار ، یارنوجان ، رساله دار
کوته واله دار ، یارنوجان ، رساله دار

بیا یارجان که فصل نوبهار اس کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
بهر سو شر شر آب روان اس کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
بیا یارجان کنیم سیل شگوفه کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
تمام کوه و صحرا لاله زار اس کوته واله دار - یارنوجان رساله دار

کوته واله دار ، یارنوجان ، رساله دار
کوته واله دار ، یارنوجان ، رساله دار

بهار آمد که یارجانم برآید کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
بروی سبزه ها گردش نماید کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
نشیند در لب جوی پیش سبزه کوته واله دار - یارنوجان رساله دار
گه دیدار من مسکین نماید کوته واله دار - یارنوجان رساله دار

جانانه گگم

از خانه برآمدیم و گفتیم خدا
از یار عزیز خود شدیم زنده جدا
جانانه گگم

یاران و برادران همه خوش باشید
کردم سفری که آمدن نیست مرا
جانانه گگم

یاران و برادران مرا یاد کنید
تابوت مرا ز چوب شمشاد کنید

تابوت مرا قدم قدم بردارید
در مرگ سیه مانید و فریاد کنید
جانانه گگم

دارم ارمان امروز

دارم ارمان امروز ، دارم ارمان امروز
هر روز لفمان گره دارم پیچان امروز دارم ارمان امروز
دارم ارمان امروز ، دارم ارمان امروز

بر لب بام سر شام کدی وا ده بما - تو کدی وا ده بما
که بیایی به سر چشمه غزلخوان امروز - دارم ارمان امروز
دارم ارمان امروز ، دارم ارمان امروز

سر سرپشته عاشق کشته

سر سرپشته عاشق کشته — از خون عاشق لیلی جان نامه نوشته
سر سرپشته عاشق کشته — از خون عاشق لیلی جان نامه نوشته

پروین عشقی نمیدرازی — باشد لبانت لیلی جان جام شرابم
پروین عشقی نمیدرازی — باشد لبانت لیلی جان جام شرابم
سر سرپشته عاشق کشته — از خون عاشق لیلی جان نامه نوشته
از خون عاشق لیلی جان نامه نوشته

آدم سپهرت ای آفتابم — از هجر رویت لیلی جان آخر عذابم
از هجر رویت لیلی جان آخر عذابم
سر سرپشته عاشق کشته — از خون عاشق لیلی جان نامه نوشته

اوگلالی گلالی خارخار

اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
باران ویزی زنزری شمال می لمدیزی
اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
باران ویزی زنزری شمال می لمدیزی اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی

دیدن دگلوغونچه نه وه اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
چی دردیاره پلاس لی یاته ولیزمه
اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
باران ویزی زنزری شمال می لمدیزی اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی

په باران کی داسی کیزی اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
کله خوشحال وی کله لی سترگی لمدی وینه
اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی
باران ویزی زنزری شمال می لمدیزی
اوگلالی گلالی خارخارینج شمال لگیزی

یادونه: دوغه سروکی اصل داسی، ووباجوری باجوری جان نینج شمال لگیزی
خودلته دځینو ملاځطا نولکبله دباجوری گلالی راغلی، ووځان په ځای خارخار

بچه ماشی ماشی

بچه ماشی ماشی، شانه مویم باشی، بچه ماشی ماشی
بچه امشب پیش ما صبا کجا می باشی، بچه باشی ماشی

بچه امشب با منت بوای جنگ اس گر، بچه اشی ماشی
بچه دل میشکنی دل تو سنگ اس گر، بچه هردم زبرم
بچه هر دم زبرم گریختن می خواهی، بچه در سینه من
بچه در سینه من جای تو سنگ اس گر بچه ماشی ماشی

بچه ماشی ماشی شانه مویم باشی بچه ماشی، ماشی
بچه ماشی ماشی، شانه مویم باشی بچه ماشی ماشی

گل په قره باغ دی

دقره باغ دنجونوخه عجب جمال دی — گل په قره باغ دی
دقره باغ دنجونوخه عجب جمال دی — گل په قره باغ دی

دیدن دستا دگلو باغ دی
بیلتون قاسچی دی ماته لار نه راکوینه — گل په قره باغ دی
دقره باغ دنجونوخه عجب جمال دی — گل په قره باغ دی

چی ستا دمخ گل په کی نه دی
په باغ دراشی دخزان سارد باد دنه — گل په قره باغ دی
په قره باغ دنجونوخه عجب جمال دی — گل په قره باغ دی

فرخار چه خوش است

رخسار تره به غنچه گل ندهم، جانم
من زلف ترا به شاخ سنبل ندهم، جانم
چشمان تو بهتر بود از جام شراب
آواز ترا به شور بلبل ندهم، جانم

جانم لی، لَی، لی حالم خراب اس
دو چشم دلبرم جام شراب اس، ای بابه دل کبابه

در فیل چنار دو مار پیچان دیدم، جانم
در گردن یار عقیق و مرجان دیدم، جانم
دست انداختم عقیق و مرجان بگیرم
از طالع بد یار و پریشان دیدم جانم

جانم لی، لَی، لِی حالم خراب اس
جانم لی، لی، لی حالم خراب اس
دو چشم دلبرم جام شراب اس، ای بابه دل کبابه

شب مهتاب

شب مهتاب که بی خوابی کشیدم — شب مهتاب که یارم نیس
جان دلم بیتاب که یارم نیس
جان دلم بیتاب که یارم نیس

یارم ازدر در آمد گل بدستش — شب مهتاب که یارم نیس
کرشمه می کند چشمان مستش — جان دلم بیتاب که یارم نیس
برات آورده تا خونم بریزه — شب مهتاب که یارم نیس
مسلمانا نگیرید بند دستش — جان دلم بیتاب که یارم نیس
جان شب مهتاب که یارم نیس — جان دلم بیتاب که یارم نیس
جان شب مهتاب که یارم نیس — جان دلم بیتاب که یارم نیس

الهی تا جهان باشه تو باشی — شب مهتاب که یارم نیس
زمین و آسمان باشه تو باشی — جان دلم بیتاب که یارم نیس
زمین و آسمان تخت سلیمان — شب مهتاب که یارم نیس
سلیمان در هوا باشه تو باشی — جان دلم بیتاب که یارم نیس

شب مهتاب که یارم نیس
جان دلم بیتاب که یارم نیس

شاه صنم

وشاصنم پیشت کی تل یه بی ناپه
دل وجان می پسی کبابه

زدچی داحال کوم - نارد دخیال کوم - خاص دوصال کوم
کلدوچ تل ومخ تپروت یم دسیلابه
دل وجان می پسی کبابه

لب لعلونه دی - زلفی دابونه دی - پرناظلمونه دی
دمحبت پهلوی درباب کی یم غرقابه
دل وجان می پسی کبابه

تارا بریشم

تارا بریشم آورده یارم رومال می دوزم بری نگارم
رومال می دوزم اکه جان رومال زیبا اکه جان

رومال زیبا

رفتم بقیصار به دیدن یار

رویش ندیدم باشد سرم قار
رویش ندیدم اکه جان باشد سرم قار اکه جان باشد سرم قار
تارا بریشم آورده یارم رومال می دوزم بری نگارم
رومال می دوزم اکه جان رومال زیبا اکه جان

رومال زیبا

وا وا لیلا صبا مزارمیرم

وا وا لیلا صبا مزارمیرم　　جان لیلا دیدن یارمیرم

سیاه چشمی که در بازار دیدم　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
نه در کوچه نه در بازار دیدم　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
نه در کوچه نه در بازار لیلی　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
میان عاشقان بسیار دیدم　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم

سرت قند ولبت قند ودهن قند　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
خریدار توام قیمت بگو چند　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
خریدار تو نو قیمت بها کن　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم
صفاهان شهر و ملک سمرقند　　وا وا لیلا صبا مزارمی رم، جان لیلا دیدن یارمیرم

سمنک در جوش

سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم

سمنک نذر بهار اس ، میلاد شب زنده دار اس
این خوشی سال یکبار اس ، سال دیگر یا نصیب
سمنک در جوش ما کفچه زنیم دیگران در خواب ما دفچه زنیم
بی شکر شیرینی داره ، طعم خوش رنگینی داره
این خوشی سال یکبار اس ، سال دیگر یا نصیب

Adagio

گل باغ من بیا بلبل باغ من بیا

سفید مستی پوشش کلای سیارا — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
به جلوه میکشی ظالم تو ما را — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
به جلوه میکشی خونداری شی — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
جوان استم ببین روی خدارا — گل باغ من بیا بلبل باغ من بیا

گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا، مرهم داغ من بیا
گل باغ من بیا بلبل باغ من بیا
گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا

دو چشمای پر خمارت را کی داره — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
دو ابروی دم مارت را کی داره — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
بگردم کوه بکوه صحرا به صحرا — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
بپرسم اختیارت را کی داره — گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا

گل باغ من بیا بلبل باغ من بیا، مرهم داغ من بیا
گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا
گل باغ من بیا، بلبل باغ من بیا

کجاوی

کجاوی رو خه لیلا ورو، ورو خه لیلا ورو، ورو
ـ ورو ورولی یارو، خارواره ورو، او خارواره ورو

سبا به بیاکدی باریزی ـ
کجاوی رو خه لیلا ورو، ورو خه لیلا ورو، ورو
دو نبست گلان به ستالمنی یو یونه
کجاوی او خارواره ورو، او خارواره ورو

مسا پری سنجته خواری ده ـ
کجاوی او خارواره ورو، او خارواره ورو، ورو
باران به اوری خوک به خای نه ورکوینه
ورو خه لیلا ورو، او خارواره ورو، ورو

دختر عموجان

دختر: دختر عموجان قار نکو ناز نکوتر و خیلی مایم
پسر: پسر عموجان قار نکو ناز نکوتر و خیلی مایم
دوگانه: جور و ستمی کز گروه‌ای باز نکوتر و خیلی مایم

ترا از دوری ببینم چه حاصل دختر عمو
پهلویت نمی‌شینم چه حاصل پسر عمو
درخت حسن تو گلزار کرده
از آن گلها نمی‌چینم چه حاصل

دختر عموجان قار نکو ناز نکوتر و خیلی مایم
جور و ستمی کز گروه‌ای باز نکوتر و خیلی مایم

گل سرخ و سفیدم کی میایی
شیرین قد و بلندم کی میایی
مرده ماندی به طعن دوست و دشمن
به طعنه می‌کشندم کی میایی

دختر عموجان قار نکو ناز نکوتر و خیلی مایم
جور و ستمی کز گروه‌ای باز نکوتر و خیلی مایم

یارنکو غمزه

شیرین سبزه ، یارنکو غمزه ، سرزلف تو میلرزه
باغ وبهشت من ، سرنوشت من ، کارو کشت من بیوفا دلبر

شبی مجنون لیلی گفت که ای محبوب بی همتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

شیرین سبزه ، یارنکو غمزه ، سرزلف تو میلرزه
باغ وبهشت من ، سرنوشت من ، کارو کشت من بیوفا دلبر

بیا ساقی که من مُردم ، کفن از برگ تاکم کن
به آب می بده غسلم ، درین میخانه خاکم کن

شیرین سبزه ، یارنکو غمزه ، سرزلف تو میلرزه
باغ وبهشت من ، سرنوشت من ، کارو کشت من بیوفا دلبر

با دل یار - یار - یار

با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم
با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم

هر مستند صبای تو خالیست - با دل یار
هر تیغم جام لبهای تو خالیست - با دل یار
همه گلهای دین گلشن پر شکفته - با دل یار
محل مریم فقط جای تو خالیست - با دل یار

با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم
با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم

عزیز من چرا نامهربان شد - با دل یار
محل امید من زار و خزان شد - با دل یار
نکردم من گناهی یا خطایی - با دل یار
دل کافر بفریاد و فغان شد - با دل یار

با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم
با دل یار، یار، یار - با دل آرام جانم

ده باغ بالا چنار بلند اس

ده باغ بالا چنار بلند اس - لبان لیلی بخدا نبات وقند اس
لیلی جان - لیلی جان، لیلی نمری نازدانه
لیلی جان جان لیلی جان زنده باشی

سر سبز کشتی عاشقه کشتی

از خون عاشق لیلی جان سر سبز کشتی عاشقه کشتی
لیلی جان لیلی جان نامه نوشتی
لیلی جان - جان لیلی جان زنده باشی لیلی نمری نازدانه

لودی دغنمو

لودی دغنمو یاره لودی دغنمو یاره
ستری راواچاره نیگری راغلی دینه

خاوندہ بیادی غنم لوکړ
جانان به لوکه زه به وزی تولودمه

چې لوکوی گوتی به پرې کړی
چې شالیلا درپسې وزی تولوینه

لودی دغنمو یاره لودی دغنمو یاره
ستری راواچاوه نیگری ، دینه

کبک دری

ای کبک دری بیا به پهلویم — خوابت ببرد سر زانویم
بخرام دمی سرود بجویم — تا با تو کمی راز دل گویم

رفیق حال دردم کی می‌آیی — شیرین قد بلندم کی می‌آیی
مرا مانند طعنه دوست دشمن — به طعنه می‌کشندم کی می‌آیی

ای کبک دری بیا به پهلویم — خوابت ببرد سر زانویم
بخرام دمی سرود بجویم — تا با تو کمی راز دل گویم

مه قربان سفیدی بندپایت — به حمام می‌روی جانم فدایت
به حمام می‌روی صابون ندارے — لبم صابون زبانم سنگ پایت

ای کبک دری بیا به پهلویم — خوابت ببرد سر زانویم
بخرام دمی سرود بجویم — تا با تو کمی راز دل گویم

راشه جانانه

راشه جانانه ورځ د ویدن ده
سبا به نوی ویدنونه راشه جانانه

گلاب په څپل صورت مینی د راشه جانانه
راشه جانانه زما جانان یې ولیدو موشریدنه
راشه جانانه

راشه جانانه ورځ د ویدن ده
سبا به نه وی ویدنونه
راشه جانانه

زما خوانی دی ټانه خارشي راشه جانانه
راشه جانانه ماستا په سرخاونده دیرکړی سوالونه
راشه جانانه

راشه جانانه ورځ د ویدن ده
سبا به نه وی ویدنونه
راشه جانانه

یار تنها نشسته

یارم تنها نشسته . لب دریا نشسته . پشتش خنجر تیز . بقتل ما نشسته

سفید هستی بپوش کالای سیاه را — دلبر من
بجلوه میکشی ظالم تو ما را — دلبر من
بجلوه می کشی خونداری شی — دلبر من
جوان استم ببین روی خدا — دلبر من

یارم تنها نشسته . لب دریا نشسته . پشتش خنجر تیز . بقتل ما نشسته

گلم از درد در آمد گل بدستش — دلبر من
کرشمه می کند چشمان مستش — دلبر من
برات آورده تا خونم بریزه — دلبر من
مسلمانا بگیرید بند دستش — دلبر من

یارم تنها نشسته . لب دریا نشسته . پشتش خنجر تیز . بقتل ما نشسته

سرسرنارآمدی

سرسرنارآمدی، باشه شکارآمدی، شکاره بانه کده، دیدن یارآمدی
سرسرنارآمدی، باشه شکارآمدی، شکاره بانه کده، دیدن یارآمدی
بیاپشت قلایت، می میرم ازبرایت
این جان ناتوان را یارجان کنم فدایت

گلگم گل لاله، دلم بیین بی حاله — سویم تبسم بکو صدقه شوم او خاله
گلگم گل لاله، دلم ببین بی حاله — سویم تبسم بکو صدقه شوم او خاله

سرسرنارآمدی، باشه شکارآمدی، شکاره بانه کده، دیدن یارآمدی
بیاپشت قلایت، می میرم ازبرایت
این جان ناتوان را یارجان کنم فدایت

هلک نری چناردی

هلک نری چناردی نجلی دگلوونه
په سردی زرین شال دی په غاره یی امیلونه

دا مازیگر شپی په خپله بسم الله خوری ولی
دچنار ونو سره ترمه خیزه ینه

خاونده ما گل وگلاب کړی بسم الله خوری ولی
چی د آشنا په غیږ کې پاتی پاتی شمه

هلک نری چناردی نجلی دگلوونه
په سری زرین شال دی په غاره یی امیلونه

آسمان که جاله می‌زد

آسمان که جاله می‌زد — مرغا چه ناله می‌زد
زلف سیاه لیلی را — مجنون به شانه می‌زد

یارب تو مرا به یار دمسازرسان — دلبرم
آوازه دردم به همآوازرسان — دلبرم
از هجر کسی که ناله‌ها می‌سوزم — دلبرم
او را به من و مرا به او بازرسان — دلبرم
آسمان که جاله می‌زد — مرغا چه ناله می‌زد
زلف سیاه لیلی را — مجنون به شانه می‌زد

ای دلبر من الهی صد ساله شوی — دلبرم
در پهلوی ما نشسته همسایه شوی — دلبرم
همسایه شوی که دست بما سایه کنی — دلبرم
شاید که نصیب من بیچاره شوی — دلبرم

آسمان که جاله می‌زد — مرغا چه ناله می‌زد
زلف سیاه لیلی را — مجنون به شانه می‌زد

ماه من و اختر شبها

ماه من و اختر شبهای من — الله نیست کسی جز تو تمنای من
ماه من و اختر شبهای من — الله نیست کسی جز تو تمنای من
نام تو عنوان جهان هست — الله عشق تو سرمایهٔ دنیای من
نام تو عنوان جهان هست — الله عشق تو سرمایهٔ دنیای من
ماه من و اختر شبهای من — الله نیست کسی جز تو تمنای من
باز چرا از بر من میروی — الله باش دمی بهر تسلای من
باز چرا از بر من میروی — الله باش دمی بهر تسلای من
ماه من و اختر شبهای من — الله نیست کسی جز تو تمنای من
ماه من و اختر شبهای من — الله نیست کسی جز تو تمنای من

بی بی صنم جانم

نگارا دل اسیر روی و مویت ، بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
همیشه دارم ای گل آرزویت ، بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
دعای من همین باشد شب و روز ، بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
دوباره بینم آن روی نکویت ، بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
بی بی صنم جانم ، انار سیستانم ، سیب سیاه دوشانم
دم دروازی قندهار جای صنم جانم
دم دروازی قندهار جای صنم جانم

دلم میل گل و باغ تو دارد بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
سراسر سینه ام داغ تو دارد بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
شدم در لاله زار بهر تماشا بی بی صنم جانم ، انار سیستانم
بدیدم لاله هم داغ تو دارد بی بی صنم جانم ، انار سیستانم

بی بی صنم جانم انار سیستانم سیب سیاه دوشانم
دم دروازی قندهار جای صنم جانم
دم دروازی قندهار جای صنم جانم

انار نوبر من

انار انار انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من
انار انار انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من

خودم اینجه که یارم چاریکار اس
گل صدبرگ من پالوی خار اس
بموسائی که یادمن می آیی
شکر در دان من مانند زار اس

انار انار، انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من
انار انار، انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من

سر از کابل بدر کرده نمی شه
ز آغوشش سفر کرده نمیشه
چنان خو کرده ام من با تو ای گل
دلم از پیش تو کنده نمیشه

انار، انار، انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من
انار انار، انار نوبر من چه سیب تازه دست دلبر من

گل گل انارس

گل گل انارس، فصل نوبهار
بیا هوا خوری بریم به سوی گلزار
بیا هوا خوری بریم به سوی گلزار

بیا جان و انار نو بر من — گل گل انارس فصل نو بهار
بت چینی بدست دلبر من — گل گل انارس فصل نو بهار
بت چینی که بر من کار میکرد — گل گل انارس فصل نو بهار
دل در خواب من بیدار میکرد — گل گل انارس فصل نو بهار

بیا هوا خوری بریم به سوی گلزار

سر کوی بلند من چیق برآرم — گل گل انارس فصل نو بهار من انارکی کمترم یار ندارم
چلیم بردست بگیرم تی بدندان — گل گل انارس فصل نو بهار
ازین در گه بلند یاری بگیرم — گل گل انارس فصل نو بهار

بیا هوا خوری بریم به سوی گلزار

دلم تنگ اس

او خدا جان دلم تنگ اس — دل یارم مثل سنگ اس
او خدا جان دلم تنگ اس — دل یارم مثل سنگ اس

نگارا دل اسیر روی نیوت — همیشه دارم ای گل آرزویت
دعای من همین باشد شب و روز — دوباره بینم آن روی نکویت
او خدا جان دلم تنگ اس دل یارم مثل سنگ اس

دلم میل گل و باغ تو داره — سر سر سینه ام داغ تو داره
شدم در لاله زار بهر تماشا — بدیدم لاله هم داغ تو داره
او خدا جان دلم تنگ اس دل یارم مثل سنگ اس

همدم جانی

تا که نباشد همدم جانی کی کتکت یاری کنم ای
تا که نشانی خود ره نبینم کی کتکت یاری کنم ای

لال و جواهر گانه بسازم
سیم و طلا دستوانه بسازم
چار گله مرواری کنم ای
تا که نباشد همدم جانی کی کتکت یاری کنم ای
تا که نشانی خود ره نبینم کی کتکت یاری کنم ای

دلبر کم قار شد به سرم
آتش اگه تفتان که نباشد
تا که نباشد همدم جانی کی کتکت یاری کنم ای
تا که نشانی خود ره نبینم کی کتکت یاری کنم ای

باز گوشه نشینم حلقه بگوش
دیگ سر خود کی میا به جوش

وزی

ته شور ماشوردی وه وزی
په شور ماشورکی لیلاخان سینگارویه ـ خانه وه وزی

جانان زمانزدجانانیم ـ وه وزی
که په بازارمی خرخوی وسره خمه ـ خانه وه وزی
آه ته شور ماشوردی وه وزی
په شور ماشورکی لیلاخان سینگارویه ـ خانه وه وزی

گل می په لاسدرته ولاریم ـ وه وزی
یامی گل واخله یارخصت راکه چخمه ـ خانه وه وزی
ته شور ماشوردی وه وزی
په شور ماشورکی لیلاخان سینگارویه ـ خانه وه وزی

سیاه‌چشمان

بیا که دربغل تنگت بگیرم — سیاه‌چشمان
بلای کاکلای چنگت بگیرم — سیاه‌چشمان
برات سر صدقه‌ی نصب بویه دارم — سیاه‌چشمان
بیا که ازلب قندت بگیرم — سیاه‌چشمان

ازحال بحالم سیاموی جانم، دل بیقرارم سیاموی جانم، حالی ندارم سیاموی جانم
گل لاله، گل نرگس، سوختم زغم، کم نمایه من ستم
گل لاله، گل نرگس، سوختم زغم، کم نمایه من ستم

اگرخواهی وفادارت بمانم — سیاه‌چشمان
همیشه عاشق زارت بمانم — سیاه‌چشمان
مکن ازعشق ما هرجا فسانه — سیاه‌چشمان
اگرخواهی که من یارت بمانم — سیاه‌چشمان

دل بیقرارم سیاموی جانم، حالی ندارم سیاه موی جانم
گل لاله، گل نرگس، سوختم زغم، کم نمایه من ستم
گل لاله، گل نرگس، سوختم زغم، کم نمایه من ستم

گل سنجد

گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم
گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم
بیا یار جان که فصل نو بهار است — بهر سو شر آب روان است
بیا یار جان کنیم سیل تگو — تمام کوه و صحرا لاله زار است

گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم
گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم

نگار بوفا از در در آمد — بهار پر شگوفا از سر آمد
سپند آسا ز جا جستم بهر سو — ز هر جا بوی مشک و عنبر آمد
گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم
گل سنجد به بر روی یارم — مرا کشته غم ابروی یارم

میرگله جان

ای میرگله جان ای گل، ای لال و مرجان ای گل توق همه یاقوت تس توق تو مرجانه
ای میرگله جانه

در باغ شما دو بته بنشکر انس — میرگله جانم ای لال و مرجانه
زیر بنشکر دو دختر لب شکر انس — میرگله جانم ای لال و مرجانه
خوابش برده دو دستکش زیر سرش — میرگله جانم ای لال و مرجانه
بیدارش نکو که عاشقی در دسرس — میرگله جانم ای لال و مرجانه

ای میرگله جان ای گل، ای لال و مرجان ای گل
توق همه یاقوته توق تو مرجانه ای میرگله جانه

بیقرارم امشب

ستاره در هوای مینم امشب — شیرین جانم بیقرارم امشب
زمین را زیر پای مینم امشب — شیرین جانم بیقرارم امشب
همه با یار خود دستی بگردن — شیرین جانم بیقرارم امشب
ترا از خود جدا می بینم امشب — شیرین جانم بیقرارم امشب

نازبودارم ـ نازوردارم امشب

ترا از خود جدا می بینم امشب ـ او دلبر جانم بیقرارم امشب

ترا از دور می بینم چه حاصل — شیرین جانم بیقرارم امشب
به پهلویت نمی نشینم چه حاصل — شیرین جانم بیقرارم امشب
درخت حسن تو گلزار کرده — شیرین جانم بیقرارم امشب
از آن گلها نمی چینم چه حاصل — شیرین جانم بیقرارم امشب

نازبودارم نازوردارم امشب
او دلبر جانم بیقرارم امشب

ساقی ساقی جان

ساقی ساقی جان پیاله پری — شیشتی لب جوی خمارتاکی
ساقی ساقی جان پیاله پری — شیشتی لب جوی خمارتاکی
بهار آمد که یار جانم برآید — ساقی ساقی جان پیاله پری
به روی سبزه‌ها گردش نماید — شیشتی لب جوی خمارتاکی
نشیند در جو پیش سبزه — ساقی ساقی جان پیاله پری
که دیدار من غمگین نماید — شیشتی لب جوی خمارتاکی

ساقی ساقی جان پیاله پری — شیشتی لب جوی خمارتاکی
نویسم نامه‌ئی از بینوائی — ساقی ساقی جان پیاله پری
شیشتی لب جوی خمارتاکی
ببندم با پر مرغ هوائی — ساقی ساقی جان پیاله پری
شیشتی لب جوی خمارتاکی
بر مرغک نامه را بدست دلبرم دُه — ساقی ساقی جان پیاله پری
شیشتی لب جوی خمارتاکی
بگو صد داد و بیداد از جدائی — ساقی ساقی جان پیاله پری
شیشتی لب جوی خمارتاکی

شاه شابوجان

وای لا شاه شابوجان لا شیرین لا گل ریزه دندان
وای لا شاه شابوجان لا شیرین لا گل ریزه دندان

دو سه روزه که دلدارم نیامد وای لا شاه شابوجان له
ز عشقش زار و بیمارم نیامد وای لا شاه شابوجان له
عزیزان نامه دارم قاصدم کو وای لا شاه شابوجان له
که بفرستم چرا یارم نیامد وای لا شاه شابوجان له

وای لا شاه شابوجان لا
وای لا شاه شابوجان لا

شیرین لا گل ریزه دندان
شیرین لا گل ریزه دندان

خابیارین

شهزاده داماد جوان نوداماد اس — خابیارین بردستش بمالین
امشب رتکلف جهان آزاد اس — خابیارین بردستش بمالین
یک بوسه زنی تو ای خا بردستش — خابیارین بردستش بمالین
صد شکر بکش که عالم دلشاد اس — خابیارین بردستش بمالین

خابیارین بردستش بمالین
الهی خینه با نقش و نگینه

بیچاره خاکه دستگیر همه بود — خابیارین بردستش بمالین
دستی بمه گشت و پای تو گرفت — خابیارین بردستش بمالین
صد شکر شب حنایت ای گل دیدم — خابیارین بردستش بمالین
برگردن گل حمایل گل دیدم — خابیارین بردستش بمالین

الهی خینه با نقش نگینه

الم گنج

الم گنج در گرفت دودش برآمد — آغا بیا بریم الم گنج
الم گنج و الم گنج و الم گنج — آغا بیا بریم الم گنج
فرنگی ظالم اس خلقم شد تنگ — آغا بیا بریم الم گنج

ستاره ریزه گک پهلوی ماتو — آغا بیا بریم الم گنج
مره از هجر یارکی می برد خو — آغا بیا بریم الم گنج
به هر سالی که تو یادم بیایی — آغا بیا بریم الم گنج
به مثل مار زخمی می خورم تو — آغا بیا بریم الم گنج

الم گنج در گرفت دودش بر آمد — آغا بیا بریم الم گنج
فرنگی ظالم اس خلقم شد تنگ — آغا بیا بریم الم گنج
الم گنج در گرفت دودش بر آمد — آغا بیا بریم الم گنج

گل چیدم، چیدم

آی چیدم، چیدم، چیدم ، وای گل چیدم، چیدم، چیدم
از کجا، کجا، کجا از لبان، لبان، لبان

مه قربانت سوم مرغوله کاکل، او گلم
خرامان میروی دم چوک کابل، او گلم
خرامان میروی لنگر نداری او گلم
تمکم عشق مرا در سر نداری، او گلم

آی چیدم، چیدم، چیدم ، وای گل چیدم، چیدم، چیدم
از کجا، کجا، کجا، از لبان، لبان، لبان

سلاما بسینید شب چه وقت اس، او گلم
که بلبل مست و شیدای درخت اس، او گلم
که بلبل می پرد شاخه به شاخه، او گلم
جدایی مادر و دختر چه سخت اس، او گلم

آی چیدم، چیدم، چیدم ، وای گل چیدم، چیدم، چیدم
از کجا، کجا، کجا ، از لبان، لبان، لبان

لیلی جان

لیلی، لیلی، لیلی جان، جان، جان دلمه کردی ویران
لیلی، لیلی، لیلی جان، جان، جان دلمه کردی ویران
وه ای قشلاق نامدی جان جان دلمه کردی ویران
وه ای قشلاق نامدی جان جان دلمه کردی ویران

از بالا باران آمد یارم به دالان آمد
از بالا باران آمد یارم به دالان آمد
یک بوسه طلب کردم وای وای چشمایش گریان آمد
یک بوسه طلب کردم وای وای چشمایش گریان آمد

لیلی، لیلی، لیلی جان، جان جان دلمه کردی ویران
لیلی، لیلی، لیلی جان، جان جان دلمه کردی ویران

چشم سیاه زاغت، مادر نبینه داغت
چشم سیاه زاغت، مادر نبینه داغت
مادر بینه نبینه عاشق نبینه داغت
مادر بینه نبینه عاشق نبینه داغت

لیلی، لیلی، لیلی جان جان جان دلمه کردی ویران
وه ای قشلاق نامدی وای وای دلمه کردی ویران

PROPERTY OF ACKU 5176

جاله وان

ستا په جاله دپیر بابا سلام ته څمه کنه
جاله در باندی واوره
واوره جاله وانکنه جاله در باندی واوره

غم دی له تانه وفا دارد ی
ته کله کله غم دی تل راسره وینه
واوره جاله وانکنه جاله در باندی واوره

جانان زما زده د جانان یم
که په بازار می خرڅوی در سره څمه
واوره جاله وانکنه جاله در باندی واوره
ستا په جاله دپیر بابا سلام ته څمه کنه
جاله در باندی واوره

Afghan Folk Songs

ناشر: دانش کتابخانه